



نه تدبیر، نه امید

گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اشاره:

شد، که اگر شدت‌گیری اعتراضات کارگری نبود، ای بسا عملی هم می‌شد. هم روحانی و هم وزیر کار، وعده‌ی افزایش دستمزد متناسب با تورم و طبق قانون کار را داده و بر قانون‌گرایی و اجرای قانون کار تأکید کرده بودند.

در "برنامه‌ی وزیر کار آمده است: "اصلاح و تنظیم دستمزد مبتنی بر قوانین و مقررات بالادستی از جمله بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۱ قانون کار که ناظر بر افزایش دستمزدها با تورم واقعی و انطباق آن با حداقل سبد هزینه‌ی معیشت خانوار کارگری می‌باشد و همچنین افزایش واقعی حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران بر اساس ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی". با وجود این تأکید صریح، دولت برخلاف ماده ۴۱ قانون کار و تبصره‌های آن، دستمزدها را فقط ۲۵ درصد، یعنی ۱۰ درصد کمتر از نرخ تعریف شده تورم رسمی، افزایش داد و درخواست نهادهای مستقل کارگری برای افزایش دستمزد مطابق تورم واقعی که در بحبوحه‌ی قطعی شدن افزایش تا ۳۰ درصدی بهای آب، برق، گاز، بنزین و غیره صورت گرفت، با امتناع دولت و کارفرمایان روبرو شد. حتی حقوق بازنشستگان تنها به مقدار ۲۰ درصد، یعنی ۱۵ درصد کمتر از نرخ تورم رسمی افزایش داده شد. در نتیجه قدرت خرید کارگران و بازنشستگان، به جای این که طبق وعده‌های دولت افزایش بیاید، به ترتیب حداقل ۱۰ درصد و ۱۵ درصد کمتر از گذشته شد.

چنانچه بار تورمی ناشی از افزایش حامل‌های انرژی و افزایش ۱۰ درصد قیمت نان در این محاسبات منظور شوند، با یک حساب سرانگشتی ساده مشخص خواهد شد که در واقع هیچ چیز به دستمزد کارگر افزوده نشده است. افزون بر این‌ها دولت قصد دارد شرط پرداخت یارانه‌ی نقدی را در سقف ۶۰۰ هزار تومان حقوق یعنی ۹ هزار تومان کمتر از حداقل دستمزد تعیین کند، که اگر چنین شود عملاً اکثریت قریب به اتفاق کارگران از شمول یارانه‌بگیرها حذف خواهند شد. وزیر کار نیز از کارگران حداقل‌بگیر می‌خواهد که مانند او که درآمد ماهانه‌اش از بابت وزارت و عضویت در هیئت مدیره‌ی ۵-۶ شرکت بالغ بر ده‌ها میلیون تومان می‌شود، از گرفتن یارانه‌ی نقدی خودداری کنند!

وزیر کار گویا فراموش کرده است که در برنامه‌اش وعده‌ی "حمایت، صیانت و حفاظت از نیروی کار، کاهش فقر و شکاف درآمدی و گسترش عدالت اقتصادی، بهبود وضعیت رفاهی مردم، کاهش تورم و افزایش قدرت خرید خانوار جامعه‌ی کار" را داده است. تناقض در گفتار و کردار او موج می‌زند. او در جایی از برنامه‌اش از عدم افزایش دستمزد در گذشته انتقاد می‌کند، در جای دیگری از همان نوشته، بیکاری و دستمزد پائین را جزو عوامل تضعیف پشستوانه‌ی مالی تأمین اجتماعی معرفی می‌کند و وعده‌ی رفع آنها را

گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از اعلام برنامه‌ی علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه دولت روحانی، برنامه‌ی مذکور را نقد کرد. در آن نقد ما جهات مثبت و منفی برنامه‌ی ربیعی را به دست داده‌ایم و نیازی به تکرار آنها در نوشته‌ی حاضر نمی‌بینیم.

اینک با گذشت هشت ماه از اعلام برنامه‌ی کار علی ربیعی و به مناسبت اول ماه می، که مناسبتی برای بازبینی و مرور بر وضع کارگران نیز هست، می‌توان در مورد میزان پایبندی عملی و یا شعار علی ربیعی به وعده‌هایی که در برنامه‌اش به کارگران داد، قضاوت کرد.

ما در این مرحله به بررسی چند مسئله عاجل، که ضمناً برای شناخت سمت‌گیری وزیر کار مکفی‌اند، اکتفا کرده‌ایم و از بررسی طرح‌های بلندمدت و همچنین پرداختن به بخش تعاون خودداری کرده‌ایم. ما در آینده ارزیابی‌مان در این موارد را نیز ارائه خواهیم داد.

پیگیری و مطالعه‌ی رویکردها و مواضع کارگری دولت روحانی، که عمدتاً از کانال وزارت تعاون، کار و رفاه پیش برده می‌شوند، آشکارا نشان می‌دهد که دولت و وزیر کارش در عمل در جهت انجام هیچ‌یک از وعده‌هایی که چه در برنامه‌ی وزیر کار و چه در خارج از آن، به کارگران داده‌اند اقدام نکرده‌اند و حتی خلاف آن وعده‌ها رفتار کرده‌اند. سمت‌گیری دولت یازدهم در قبال حقوق و مطالبات کارگران، به رغم وعده‌های انتخاباتی روحانی و وعده‌هایی که در قالب "برنامه" به کارگران داده شد، کماکان مانند گذشته است و هیچ‌گونه تغییر محسوسی در رویکرد ضد کارگری دولت احمدی‌نژاد توسط دولت روحانی تاکنون به عمل نیامده است.

در مورد افزایش دستمزد خلاف وعده‌ها رفتار شد

خلف وعده‌ی دولت در واقع از همان آغاز کار شروع شد. قرار بود شش درصد تفاوت کمتر از نرخ تورم رسمی در تعیین دستمزد سال ۹۲ به کارگران داده شود. این قرار در برنامه‌ی ربیعی نیز منعکس است. در برنامه می‌خوانیم: "اصلاح مزد سال ۹۲ با توجه به عدم رعایت دقیق قانون یعنی عدم اعمال تورم اعلامی مرکز آمار ایران به عنوان مآخذ افزایش دستمزد که حداقل باید به میزان شش درصد با نظر رئیس جمهور و شورای عالی کار اصلاح گردد".

اما دولت تا پایان سال ۹۲ از انجام این وعده سر باز زد. حتی پرداخت ۱۰ هزار تومانی افزایش کمک هزینه‌ی مسکن، (معادل قیمت یک شانه تخم مرغ) را به سال ۹۳ موکول کرد و در عوض تلاش دولت برای منجمد کردن دستمزدها شروع



شایسته با همکاری سایر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی... این‌ها و بیش از این، همه فرازهایی از برنامه‌ی وزیر کاراند، اما در هشت ماه پس از انتشار این برنامه، نه تنها از اجرای وعده‌های داده شده در آن خوداری کرده‌اند، بلکه چنان که مدتی پیش در جریان انتخاب شورای اسلامی کار کارکنان شرکت واحد در یکی از نواحی تهران دیده شد، مسئولان وزارت کار در تشکیل شورای اسلامی اعمال نفوذ کردند و با تقلب افراد مطلوب و وابسته به خود را به شورا فرستادند.

در رابطه با انتخاب هیئت امناء سازمان تأمین اجتماعی و تعیین نمایندگان کارگر، مانند گذشته عوامل خودشان را که گوش به فرمان و مطیع‌اند منصوب می‌کنند؛ تا بتوانند با یاری آنها از افزایش واقعی دستمزد جلوگیری کنند و فساد حاکم در سازمان تأمین اجتماعی را لاپوشانی کنند. چنان که پیداست هیچ قرابتی میان رفتار و وعده‌های ربیعی نمی‌توان یافت.

اگر دولت، آن‌گونه که ربیعی ادعا می‌کند، حق تشکل را پذیرفته، پس دیگر چه توجیهی برای نگه داشتن رهبران تشکل‌ها در زندان و ادامه‌ی بازداشت‌ها دارد؟ او آشکارا فریبکاری می‌کند و همچنان تلاش می‌کند تشکل‌های حکومتی و خانگی کارگر را که علاوه بر سرسپردگی، اصولاً به هیچ‌وجه ماهیت سندیکایی ندارد، را متحد کند و آنها را به عنوان تشکل جا بزند تا تن به پذیرش اتحادیه‌های واقعی و مستقل ندهد. از این زاویه، تفاوت معناداری میان او و کسانی که پیش‌تر از او، بر این مسند نشسته بودند، وجود ندارد. او نیز میانه‌ای با تشکل‌های مستقل کارگران ندارد و در پی تحقق سلطه‌ی گرایش خویش بر تشکل‌های موجود است. سندیکا و اتحادیه همچنان خط قرمز رژیم‌اند.

ظاهراً در قوانین، اتحادیه‌های کارفرمایی و کارگری از حقوق یکسانی برخوردار باید باشند، اما در عمل این تنها اتحادیه‌های کارفرمایی‌اند که از حقوق بهره‌مندند و بدون هیچ‌گونه مانعی فعالیت می‌کنند و با کمک دولت، مجلس و سایر ارگان‌های حکومتی برای محدود کردن حقوق کارگر و سرکوب خواسته‌های کارگران عمل می‌کنند.

معضل عدم پرداخت دستمزدها همچنان باقی است

یکی دیگر از وعده‌ها یافتن راه‌حل‌های کوتاه و بلندمدت برای معضل عدم پرداخت دستمزدها بود، اما در عمل هیچ تدبیری نشان داده نشد. ربیعی ضمن ابراز نگرانی از افزایش مداوم عدم پرداخت به موقع دستمزدها و فزونی یافتن تعداد واحدهایی که دستمزد کارگران‌شان را به موقع پرداخت نمی‌کنند، در برنامه‌اش قول رسیدگی به این مشکل را داده بود. در "برنامه آمده است: "عدم پرداخت به موقع حقوق که برابر آخرین آمارها در پایان سال ۹۱ به بیش از دوهزار واحد کوچک و بزرگ رسیده است.

انتظار می‌رود با روند فعلی، در سال ۹۳ این رقم به چهار هزار واحد برسد که این مسئله جزء خطرات اصلی است و باید راه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی اندیشید تا از چالش‌های بسیار خطرناک اجتماعی پیشگیری گردد." در این ارتباط قاعدتاً می‌بایستی وزیر راه‌حل کوتاه‌مدتی که وعده‌اش را

می‌دهد، اما هنگام افزایش دستمزد در مقام رئیس شورای عالی کار، همه‌ی این حرف‌ها را رها می‌کند و حتی از دولت پیشین در این راه سبقت می‌گیرد و معلوم نمی‌کند که پس چگونه می‌خواهد پشتوانه‌ی مالی صندوق تأمین اجتماعی را تقویت کند.

قرار بود کارگران زندانی آزاد شوند، اما عده‌ی دیگری را نیز زندانی کردند

وعده‌ی آزادی زندانیان سیاسی و حتی فراتر از آن آزادی همه‌ی زندانیان یکی دیگر از وعده‌های داده شده بود. روحانی در جریان انتخابات، زمانی که با سؤال آزادی زندانیان سیاسی مواجه شد، گفت: "چرا فقط زندانیان سیاسی، همه‌ی زندانیان". اما تا آنجا که موضوع زندانیان کارگر در میان است، و در مورد دیگران نیز نه تنها به وعده‌های خود عمل نکرد، بلکه تعداد دیگری از فعالین نهادهای کارگری نیز بازداشت شدند، برای عده‌ی دیگری احکام زندان صادر شد، رهبران انجمن صنفی معدن چادر ملو و پلی آکریل را به زندان بردند و حتی پس از آزادی آنان، که در اثر اعتصابات و تجمعات کارگران این دو واحد به آن تن دادند، آنها را پس از مدتی دوباره احضار کردند، دوفرد دیگر از اعضای سندیکای واحد را با توطئه‌چینی حراست به دادگاه کشاندند و اجتماعات سازمان‌دهندگان طومار ۴۰ هزار نفره برای افزایش دستمزد را مورد هجوم قرار دادند.

فشار بر کارگران زندانی را چندان افزایش دادند که از برگرداندن رضا شهبازی از روی تخت بیمارستان به زندان هم پرهیز نکردند، شاهرخ زمانی در اعتراض به افزایش فشارها جز توسل به اعتصاب غذای یک‌ماهه راهی نیافت، آزادی معلمان زندانی مشروط به همکاری آنها با وزارت اطلاعات شد و رسول دباغی به خاطر پایداری شرافتمندانه‌اش همچنان از مرخصی محروم ماند.

وعده‌ی آزادی فعالیت‌های صنفی و تشکل‌های کارگری را دادند، اما به آن پایبند نماندند

روحانی وعده‌ی آزاد گذاشتن فعالیت نهادهای مدنی و صنفی و مشورت با آنها را قبل از انتخابات داد. فراتر از او، وزیر کار در برنامه‌اش چند بار وعده‌ی آزادی فعالیت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی، اجرای قراردادهای دسته جمعی، پذیرش مقاله‌نامه‌های بنیادین سازمان بین‌المللی کار، و اجرای سه‌جانبه‌گرایی را تکرار کرده است.

"حمایت از تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و گسترش آنها به منظور برقراری هماهنگی بیشتر بین نیروی کار و بنگاه‌های اقتصادی بر اساس توافقات انجام شده با سازمان بین‌المللی کار"، "ارتقاء شاخص‌های کار شایسته (حقوق بنیادین کار، توسعه‌ی اشتغال مولد، حمایت اجتماعی و گفتگوی اجتماعی) با همکاری دستگاه‌های مرتبط"، "کاهش مداخله‌ی دولت در روابط کار، با ایجاد زمینه‌های مناسب برای تقویت تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی و احترام به توافقات دو جانبه‌ی این تشکل‌ها" و "تدوین سند ملی کار شایسته با رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی- تلاش جهت اجرائی نمودن سند ملی کار



مانند شورای عالی کار، هئیت امنای سازمان تأمین اجتماعی و در دیگر نهادها قرار می‌دهد. از بحران مالی در تأمین اجتماعی ابراز نگرانی می‌کند و نسبت به عواقب آن هشدار می‌دهد، ولی می‌خواهد هزینه‌ی بیمه‌ی اقشار غیرکارگر را که دولت باید جداگانه تقبل کند، به گردن تأمین اجتماعی بیاورد و در واقع از اندوخته‌ی کارگر تأمین کند.

چند لایه کردن بیمه که وعده‌اش را می‌دهد، در ذات خود نوعی خصوصی‌سازی قسمتی از تأمین اجتماعی و انداختن بخش دیگری از هزینه‌های بیمه به گردن کارگران و در واقع کاهش قدرت خرید آنان است، زیرا کارگران باید بخشی از دستمزدشان را بابت بیمه‌ی تکمیلی به شرکت‌های بیمه خصوصی بپردازند. این محتوای عملی چیزی است که در برنامه "افزایش کارآمدی و رقابت در بیمه‌های بازنشستگی و تقویت بیمه‌های تکمیلی" نامیده شده است.

چنین رویکردی، که حتی مغایر با قوانین موجود است، در کنار تداوم و افزایش بیکاری، سهل‌گیری نسبت به کارفرمایانی که از بیمه کردن کارگران‌شان سرباز می‌زنند، عدم پرداخت دیون کلان دولت به صندوق تأمین اجتماعی، حذف و تعدیل قوانین حمایتی ... مسلماً همه و همه مزید بر علت خواهند شد و کاهش کمی و کیفی خدمات تأمین اجتماعی را به بار خواهند آورد. قابل پیش بینی است که به این ترتیب هزینه‌های درمان، که به اذعان ربیعی "سه برابر میانگین جهانی است"، و سطح بالای پرداخت مستقیم برای درمان از جیب کارگران، بیشتر هم بشود و فساد و سوءاستفاده از اموال تأمین اجتماعی کماکان به قوت گذشته باقی بماند (میزان هزینه‌های کمرشکن سلامت در ایران بالغ بر سه درصد است، در حالی که میزان قابل قبول جهانی کمتر از یک درصد است).

وعده‌ی اجرای قانون کار را دادند اما از انجام آن سر باز می‌زنند و خودشان نیز قانون را زیر پا می‌گذارند

ربیعی بدون اشاره به جرح و تعدیلاتی که توسط دولت‌های پیشین در بخش‌های حمایتی قانون کار به وجود آمده و سکوت در مورد حذف بالغ بر ۷۰ درصد کارگران از شمول قانون کار طی دو دهه گذشته، در برنامه‌اش وعده‌ی اجرای قانون کار را می‌دهد. اما تأکید او بر "ساماندهی قراردادهای موقت کار" در برنامه نشان می‌دهد منظور وی از اجرای قانون کار، نه کل قانون که باقی‌مانده‌ی قانون کار است.

اگر غیر از این بود او به جای دادن وعده‌ی ساماندهی قرارداد های موقت، می‌بایست روی اجرای کامل فصل دوم قانون کار تأکید می‌کرد. زیرا این قراردادها طبق ماده‌ی هفت قانون کار غیر قانونی‌اند و اتفاقاً طبق تبصره‌ی یک همین ماده، اختیار تشخیص موقت و مستمر بودن ماهیت کار به عهده‌ی وزیر گذاشته شده است. اما او از این اختیار برای لغو قراردادهای اسارت‌بار که امنیت شغلی، خانوادگی و اجتماعی کارگران را از بین برده‌اند، استفاده نمی‌کند. خواست کارگران همواره ابطال قرارداد موقت و رعایت فصل دوم قانون کار بوده و نه "ساماندهی قراردادهای موقت".

با این حال علی ربیعی حتی در این عرصه نیز طی این مدت نه تنها کوچک‌ترین عملی انجام نداده است، بلکه در مقابل

داده بود، پیدا می‌کرد و حداقل جلوی زیاده‌تر شدن تعداد این واحدها را می‌گرفت. اما چنین نشد و هیچ تدبیر و راه‌حل امیدوارکننده‌ای از طرف وزیر کار "دولت تدبیر و امید" که بتواند امیدی ایجاد کند، حداقل تاکنون ارائه نشده است و این معضل بزرگ به قوت سابق پابرجاست و حتی حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران تحت پوشش تأمین اجتماعی اغلب با تاخیر پرداخت می‌شود.

وعده‌ی حفظ سطح اشتغال و مهار بیکاری را دادند اما تعداد دیگری مشاغل‌شان را از دست دادند

در "برنامه ربیعی" هم‌چنین از "حفظ سطح کنونی اشتغال"، "شغل‌آفرینی پایدار و مهار بیکاری"، "ایجاد تعادل در بازار کار"، "در اولویت قرار گرفتن کاهش بیکاری در استان‌ها و مناطقی که آمار بیکاری در آنها بالاتر از میانگین بیکاری در سطح کشور است"، "توجه ویژه به کاهش نرخ بیکاری استان‌های بالاتر از متوسط" سخن رفته است. اما مجموع گزارش‌هایی که در رسانه‌های کشور راجع به این مسئله منتشر می‌شود، هیچ کدام نشانی از کاهش تعداد بیکاران، نه در مناطق مورد هدف و نه در سایر نقاط کشور، در خود ندارد. عده‌ای از کارشناسان مستقل معتقدند که افزایش حامل‌های انرژی بیکاری و رکود تورمی را افزایش خواهد داد. حتی وزیر کشور از افزایش تعداد بیکاران تحصیل کرده به ۱۰ تا ۱۱ میلیون طی سال‌های آینده صحبت می‌کند و وجود این تعداد بیکار را عامل تزلزل هر نوع دولتی در آینده می‌داند. به نظر می‌رسد دولت در این زمینه نیز فاقد تدبیر موثری است و صرف‌نظر از این که برای ایجاد اشتغال کاری از دستش ساخته است یا نه، برنامه‌ای هم برای انجام کار ندارد.

وعده‌ی پرداخت بیمه‌ی بیکاری به جویندگان کار دادند ولی شرایط آن را سخت‌تر کردند

ربیعی در "برنامه اش" وعده‌ی "اصلاح و تقویت نظام بیمه بیکاری در جهت حمایت از واحدهای تولیدی و کمک به بیکاران از طریق "اصلاح قانون بیمه بیکاری به منظور رفع کاستیها و تنظیم منابع و مصارف آن و برقراری نظام حمایتی برای بیکاران جویای کار" را داد، اما به رغم این وعده، با ایجاد تغییراتی سخت‌گیرانه در مقررات مربوط به پرداخت حقوق بیکاری، در عمل عده‌ی زیادی را از شمول قانون حذف کرد.

وعده‌ی تقویت سازمان تأمین اجتماعی را دادند اما خلاف آن عمل می‌کنند

ربیعی در برنامه‌اش وعده‌ی "مبارزه با فساد، رانت و تبعیض، و گسترش نظام چندلایه تأمین اجتماعی" را داده است. او در قسمت دیگری از این "برنامه" بر وضعیت بحرانی سازمان تأمین اجتماعی تأکید می‌کند و در جای دیگری، وعده‌ی پرداخت بدهی دولت به صندوق تأمین اجتماعی را می‌دهد. اما او نیز به محض استقرار، درست همان کارهایی را پی می‌گیرد که به زعم خودش، به بحران در تأمین اجتماعی انجامیدند و به آن دامن زدند. او از مبارزه با رانت صحبت می‌کند، ولی در گزینش هئیت امنای از رانت برای افراد نزدیک خودش بهره می‌گیرد، قول مبارزه با فساد و تبعیض را می‌دهد، ولی به شکلی تبعیض‌آمیز افراد فاسد نزدیک به خودش را به عنوان نمایندگان کارگران، در نهادهای قانونی



بدتر شدن شرایط قراردادهای سکوت پیشه کرده است. این در حالی است که قراردادهای موقت روز به روز رایج‌تر می‌شوند تا آنجا که دامنه‌شان به تازگی تا سازمان صنعت و معدن تحت کنترل دولت نیز وسعت گرفته است.

"ساماندهی قراردادهای موقت کار" که در چند سال گذشته توسط محبوب مطرح شده، در واقع ترفندی است به منظور اخلال و تفرقه میان کارگران؛ بی‌سبب هم نیست که به یک مطالبه‌ی سراسری کارگری تبدیل نشده است.

قرار بود حوادث کار را کاهش دهند اما در عمل تعداد حوادث فزونی گرفت

"تلاش برای کاهش حوادث ناشی از کار" یکی دیگر از وعده‌های وزیر کار است. اما طی این مدت حوادث کار به شدت فزونی یافته‌اند و اثر و خبری از اقداماتی برای کاهش این حوادث توسط وزارت کار نیست. در "برنامه" نشانی از تقبل تعهداتی جهت ایجاد آرامش، امنیت شغلی و مالی، ممنوع کردن اضافه‌کاری بیش از تحمل کارگر، داشتن استراحت و مرخصی کافی و کاهش فشار کارفرما در محل کار که از عوامل عمده افزایش شتابان حوادث کار هستند و در کنار "نظارت بر اجرای توسعه‌ی فرهنگ ایمنی و بهداشت کار" می‌توانند روند موجود را که سال به سال بدون وقفه فزونی بیشتری یافته دگرگون کنند، اثری نیست. بماند این که در امر "نظارت بر اجرای توسعه‌ی فرهنگ ایمنی و بهداشت کار" نیز شاهد اقدامی نبوده‌ایم، اما علی‌ریبعی باید بداند تا زمانی که مشکلات گفته شده وجود دارند و کارگران مجبور به تن دادن به آنها می‌شوند، نظارت به تنهایی چاره‌ساز هیچ مشکلی نیست.

وعده‌ی افزایش نرخ مشارکت زنان در بازار کار داده شد، اما زنان باردار را از کار اخراج کردند

در برنامه‌ی ربیعی به مشکلات و تبعیضاتی که متوجه زنان کارگر هستند، اشاره‌ی زیادی نشده است. نرخ مشارکت زنان در بازار کار به ۱۲ درصد تنزل یافته، سطح دستمزد زنان نسبت به مردان بین ۲۵ تا ۲۵ درصد پائین‌تر است، امنیت شغلی‌شان به مراتب بیشتر از مردان در معرض بازی دولت و کارفرمایان است، و کارفرمایان حتی به‌طور غیرمستقیم در زندگی خانوادگی آنان، حاملگی و بچه دار شدن‌شان نیز دخالت می‌کنند.

در "برنامه" تنها وعده‌ی بسیار کلی "ایجاد شرایط مناسب جهت مشارکت بیشتر زنان در حوزه‌ی اقتصاد کار و ایفای نقش شایسته از سوی آنان" قید گردیده، و با این وصف در این زمینه نیز کاری تاکنون صورت نگرفته و وضعیت زنان شاغل به دشواری گذشته است. شرایط برای زنان جویای کار کم‌اکنان دشوارتر از مردان است. بنا به آخرین گزارش‌های منتشره، ۴۰ درصد از زنان کارگر باردار، به خاطر بارداری و بچه‌دار شدن بر خلاف قانون، اخراج شده و شغل‌های‌شان را از دست داده‌اند. دولت نیز هیچ اقدامی برای بازگرداندن آنها به سر کار به عمل نیاورده است.

حتی صحبت‌هایی که در هفته‌های اخیر راجع به افزایش مرخصی زایمان زنان به راه افتاده، نه با نیت بهبود حقوق

زنان بلکه بیشتر متأثر از تلاشی است که توسط خامنه‌ای برای تشویق زاد و ولد بیشتر و افزایش جمعیت به عمل می‌آید. می‌خواهند مرخصی زایمان و دوران بارداری را افزایش دهند اما در عین حال سایر بی‌حقوقی و تبعیضاتی را که بر خلاف مواد ۷۵ تا ۷۸ قانون کار و تبصره‌های مربوطه اند، نگه دارند. علاوه بر آن در ماده‌ی شش قانون کار، هر نوع تبعیض و منجمله تبعیض میان زن و مرد ممنوع شده‌اند و در قانون کار موجود، شرایط و حقوق زنان معین گردیده، اما سال‌هاست است که خلاف این قوانین رفتار می‌شود. اگر وزیر کار می‌خواهد به راستی تبعیضات شغلی زنان را رفع کند، به جای کلی‌گویی مبهم، اجرای حقوق مندرج در قانون کار راجع به زنان را تضمین کند. در شرایطی که تلاش برای محدود کردن حقوق عمومی زنان در عرصه‌های مختلف ادامه دارد و علی‌خامنه‌ای، حتی حق اشتغال زنان را زیر سنوالمی‌برد، چگونه می‌توان انتظار انجام وعده‌ی افزایش مشارکت زنان در بازار کار توسط وزیر کار را داشت؟

بی‌توجهی محض به معضل کودکان کار

در برنامه‌ی ربیعی هیچ اشاره‌ای به "کودکان کار" نشده است. "کودکان کار" یک معضل حاد در جامعه‌ی ماست. تعداد این کودکان، به خاطر افزایش بیکاری، سطح پائین دستمزدها و سقوط سطح زندگی نیمی از جمعیت کشور به زیر خط فقر، بالغ بر دو میلیون گردیده است. این در حالی است که کار کودکان زیر ۱۵ سال در ماده‌ی ۷۹ قانون کار ممنوع گردیده و در ماده‌ی ۸۴ قانون سن اشتغال ۱۸ سال تمام تعیین شده است. به علاوه ایران کنوانسیون‌های مربوط به رعایت حقوق کودک را امضا کرده است.

دولت پیشین در سال ۱۳۹۱ با تصویب طرحی به نام "طرح استاد شاگردی" که نقض آشکار قانون کار و کنوانسیون‌های حقوق کودک است، عملاً کار کودکان را به رسمیت شناخت. این عدم توجه وزیر کار سبب ناخرسندی کارگران شد و کارگران با گردآوری طومار خواستار ابطال قانون مزبور، که آن را ناقض قانون کار، واپسگرایانه و علیه حقوق خود می‌دانند، شدند. اما مدیر سازمان تأمین اجتماعی از انجام این کار سر باز زد و با دادن وعده‌ی اصلاح به جای لغو آن، قانون‌شکنی دولت پیشین را مورد تأیید قرار داد. ناگفته پیداست که سیاست عدم افزایش واقعی دستمزد و حقوق کارگران، که جزء سیاست‌های دولت است، در کنار نرخ بالای بیکاری، لاجرم کودکان بیشتری را مجبور به ترک مدرسه و روی آوردن به بازار کار کرده و خواهد کرد.

سخن پایانی

ما در نقد برنامه‌ی وزیر کار، از جمله بر این نکته تأکید ورزیدیم که برنامه‌ی مذکور مجموعه‌ی متنوعی از اهداف و وعده‌هاست، که اولاً ابزار تحقق آنها مشخص نشده و ثانیاً در تنوع‌شان فاقد انسجام برنامه‌ای‌اند. هم از این رو بود که بر امکان اجرای آن مجموعه اکیداً اعلام تردید کردیم. اکنون کارنامه‌ی هشت ماهه‌ی علی ربیعی و مشخصاً مشاهده‌ی عمل او در این مدت، ما را بر این می‌دارد که سمت‌گیری او را یک سمت‌گیری فاقد تدبیر و امید ارزیابی کنیم.



از تجربه‌ی دیگران

از کارخانه تا مزرعه - ۱

حقوق اتحادیه‌های کارگری فلسطینیان در اسرائیل

هیچ نهاد و سازمانی برای دفاع از حقوق کارگران فلسطینی در اسرائیل وجود ندارد. تنها یک اتحادیه‌ی کارگری نوپا وجود دارد که برای حقوق کار فلسطینیان شهروند اسرائیل مبارزه می‌کند و یکی از موضوعات کانونی فعالیت‌هایش حقوق زنان کارگر است.

از: آلون اوبرام

ناصریه - دوربین‌های ایمنی و درهای سنگین فلزی، آپارتمانی را که بدون این ادوات ایمنی ساختمان مهجوری می‌نمود، حراست می‌کنند. این آپارتمان دفتر اتحادیه‌ی کارگران عرب در اسرائیل (Arab Workers Union in Israel) است. عکس‌هایی از تظاهرات محلی و پرچم اتحادیه‌ی بین‌المللی کار دیوارهای داخل آن را تزیین کرده‌اند. وهبه بادرنه، مردی ۴۳ ساله اهل روستای ارباج، مدیرکل این اتحادیه است. او قهوه‌ای آماده می‌کند و شیرینی تازه تعارف می‌کند. کمی بعد فدوا علی، زن ۴۲ ساله‌ی اهل روستای کوکب ابو ال هجا، هم وارد می‌شود. فدوا یکی از سازمان‌دهندگان اصلی بخش زنان اتحادیه زیر نام "پلاتفرم برای زنان" است. ما می‌نشینیم و به گفت‌وگو در مورد زنان کارگر فلسطینی-اسرائیلی و فعالیت‌های اتحادیه در این زمینه می‌پردازیم.

اتحادیه‌ی کارگران عرب در اسرائیل یک اتحادیه‌ی نوپا و مستقل است که وظیفه‌ی مقدم‌اش را سازماندهی و دفاع از کارگران فلسطینی شهروند اسرائیل، که در کارخانه‌های ناصریه، حیفا و جلیلیه کار می‌کنند، و زنانی که در بخش کشاورزی به کار مشغول‌اند، قرار داده است. امور اتحادیه تماماً توسط داوطلب‌کاران پیش برده می‌شوند و برای بقای خود هم به کمک‌های مالی اتحادیه‌های کارگری در دیگر کشورها متکی است. اتحادیه کارزارهایی را برای آگاهی کارگران عرب از حقوق کار خود راه می‌اندازد، این کارگران را در محل کارشان سازمان می‌دهد و در دادگاه‌های کار وکالت قانونی آنان را به عهده می‌گیرد.

"پلاتفرم زنان" بزرگترین بخش اتحادیه است و کارش به ترویج حقوق زنان عرب کارگر اختصاص دارد. فدوا از مسائل متعدد و فراگیر مربوط به کار زنان عرب می‌گوید و توضیح می‌دهد که "بسیاری از این زنان ابتدا از حقوق کارشان اطلاعی ندارند، یا از سازمان‌یافتگی و مطالبه‌ی حق‌شان، که در بسیاری موارد قانوناً استحقاق آن را دارند، به شدت می‌ترسند." وضعی که برای اقلیت فلسطینی بومی اسرائیل، یک معضل و نابرابری سیستمی است. وهبه می‌گوید: "کارگران عرب در اسرائیل با نوعی فرهنگ استثمار می‌روانند. ما این را هر روزه می‌بینیم و از کسانی که برای شکایت از کارفرمایان به ما مراجعه می‌کنند می‌شنویم." بیش از نیمی از خانواده‌های عرب در اسرائیل فقیر محسوب می‌شوند، در حالی که بین یک‌پنجم تا یک‌چهارم کل جمعیت اسرائیل زیر خط فقر زندگی می‌کنند. حدود ۲۱ درصد از زنان عرب اسرائیلی به کار اشتغال دارند. در حالی که این آمار برای زنان یهود حدود ۶۰ درصد است. علیرغم افزایش تدریجی در سال‌های اخیر، میزان مشارکت نیروی کار زنان عرب در اسرائیل نسبت به تمام خاورمیانه، جز در یمن و فلسطین، پایین‌تر است. حتی میزان استخدام



عکسی از تظاهرات زنان عضو "پلاتفرم زنان" در ناصریه

زنان در عربستان سعودی برابر ۲۲ درصد است. بخش کشاورزی، که رسماً یک منبع بزرگ استخدامی برای کارگران فلسطینی اسرائیل است، در سال‌های اخیر تحت سیطره‌ی کارگران مهاجر تایلندی درآمده است. زنان عرب که در این بخش شغلی پیدا می‌کنند، از دستمزدی حدوداً بین ۸۰ تا ۱۰۰ شیکل (۲۰ تا ۲۵ دلار)، یعنی حتی کمتر از حداقل دستمزد، نصیب می‌برند.

وهبه بهت‌زده فریاد می‌زند: "کارگران عرب تمام شهرهای اسرائیل را بنا کرده‌اند، از ایلات تا جلیلیه. اما تمام اجتماعات عرب در حاشیه‌های جغرافیایی دور از مراکز پررونق شهری مستقر هستند. ۹۷/۶ درصد تمام مراکز صنعتی نواحی عمدتاً یهودی‌اند.

فدوا تشریح می‌کند که چگونه است که آمارهای رسمی میزان واقعی استثمار را منعکس نمی‌کنند. اتحادیه اظهارات مستند شمار بسیاری از کارفرمایان را در اختیار دارد، دایر بر این که آنها مالیات حداقل دستمزد را به اداره‌ی مالیات می‌پردازند، اما دستمزدی کمتر از آن را دستی به کارگران می‌پردازند. وهبه می‌گوید: "گزارش‌ها حاکی از آنند که دستمزد ۸۷ درصد زنان شاغل در کافه‌های ناصریه از حداقل پایین‌تر است." کار "پلاتفرم زنان" در سطح اجتماعات عرب اسرائیل، متمرکز بر چنین مواردی است.

اتحادیه می‌کوشد در چندین عرصه کار بامعنایی را عرضه کند: از احیای دستمزدهای پرداخت نشده تا کوشش برای لغو طرح ویسکونسنین. این یک طرح محلی "رفاهی" است، که به موجب آن دولت اقدامات رفاهی معینی را به شرکت‌های خصوصی می‌سپرد و از حراست از درآمد بسیاری کسان صرف‌نظر می‌کند.

مورد خانم عواد تنها یک نمونه از کار موفقیت‌آمیز اتحادیه در دفاع از حقوق زنان عرب است. خانم عواد نیز، مانند بسیاری از زنان عرب مجرد ۳۰-۲۰ ساله، موفق به کاری موقت در یک کارخانه شده بود. او هشت ماه در یک کارخانه‌ی لبنیات در شیمشیت، در نزدیکی ناصریه، با دستمزد ۱۱ شیکل در ساعت کار کرده بود. در حالی که در آن زمان دستمزد حداقل در اسرائیل برابر ۲۲/۹۵ شیکل بود. اتحادیه به وکالت از او به دادگاه کار ناصریه شکایت برد و خواهان جبران شد. در اکتبر سال ۲۰۱۱ دادگاه رأی خود را صادر کرد: کارفرمای مربوطه می‌بایست مبلغ ۷۵۰۰ شیکل (معادل ۱۸۰۰ دلار)، یعنی مابه‌التفاوت کل مبلغ پرداخت شده و دستمزد استحقاقی مبتنی بر حداقل دستمزد، را به خانم عواد بپردازد.



اخبار خارجی

ترکیه:

ممنوعیت مراسم روز اول ماه می در میدان "تقسیم"

بولتن جهانی، ۲۹ آوریل ۲۰۱۴



اتحادیه‌های کارگری ترکیه در واکنش به ممنوعیت برگزاری مراسم روز اول ماه می در میدان "تقسیم" استانبول، اعلام کرده‌اند که اگر اجازه‌ی برگزاری مراسم داده شود، آرامش و سلامت تظاهرات را تضمین خواهند کرد

دولت ترکیه با ممنوع کردن برگزاری صلح‌آمیز مراسم اول ماه می در میدان تاریخی "تقسیم" در استانبول گامی بزرگی به عقب گذاشته است

زمانی که دو اتحادیه‌ی "دیسک" و "کسک" و هم‌پیمانان‌شان، همراه با کانون داروسازان و کانون مهندسان، قصدشان را برای برگزاری مراسم روز اول ماه می در میدان "تقسیم" اعلام کردند، دولت ترکیه صاف و ساده چنین مراسمی را ممنوع کرد. میدان مشهور "تقسیم" پیش‌تر صحنه‌ی برآمد نیروهای انتظامی علیه فعالان سیاسی- اجتماعی بوده است. در جریان مراسم سال ۲۰۱۳، خشونت پلیس علیه تظاهرکنندگان به اوج خود رسید و به زخمی شدن حاد صدها نفر، از جمله یک دختر ۱۷ ساله، انجامید.

برگزاری مراسم روز اول ماه می برای کارگران ترکیه رویداد مهمی به شمار می‌رود و میدان تقسیم در استانبول هم منزل‌گاه بسیار مهم این رویداد برای اتحادیه‌های کارگری است. نخستین مراسم توده‌گیر روز اول ماه می در سال ۱۹۷۶ در میدان تقسیم برگزار شد. در این مراسم که توسط دفتر مرکزی اتحادیه‌ی دیسک سازمان یافته بود، صدها هزار کارگر شرکت کردند. مراسم سال ۱۹۷۷ در همان میدان بیش از پانصد هزار نفر را به خود کشید. در چرخشی ترازیک در رویدادها، ۲۷ تن در اثر شلیک گلوله‌ی افراد ناشناس کشته شدند.

دولت ترکیه برای ممانعت از برگزاری مراسم اول ماه می سال ۲۰۰۸ در این میدان، دست به اقدامات سرکوبگرانه

ای علیه اعضای اتحادیه‌های دیسک و کسک زد. دادگاه حقوق بشر اروپا در این‌باره رأی داد و اعلام کرد که دولت ترکیه ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده است. این ماده ناظر بر آزادی اجتماعات است.

سازمان بین‌المللی کار نیز بر اهمیت روز اول ماه می برای اتحادیه‌ها، و حق آنها برای دست زدن به فعالیت‌های مختلف تأکید کرده است. کمیته‌ی سازمان بین‌المللی کار در امر آزادی اجتماعات اعلام کرده است: "حق سازماندهی میتینگ‌های عمومی اجتماعات، خاصه به مناسبت روز اول ماه می، یکی از جنبه‌های مهم حقوق اتحادیه‌ای را تشکیل می‌دهد."

جبرکی رابنا، دبیرکل اتحادیه‌ی جهانی اینداستریال نیز در واکنش به ممنوعیت برگزاری مراسم در میدان تقسیم گفت: "ما عمیقاً از موضع دولت ترکیه نسبت به اتحادیه‌های کارگری و جامعه‌ی مدنی، که می‌خواهد تظاهرات مسالمت‌آمیزی را در روز اول ماه می سازمان دهد، نگرانیم."

ونزوئلا:

افزایش ۳۰ درصدی دستمزدها در روز اول ماه می

بی.بی.سی. ۳۰ آوریل ۲۰۱۴



مردمان مادورو می‌گویند که دولت بسیاری را از هر جهت داده است

امروز نیکولاس مادورو اعلام کرد که روز اول ماه می، حداقل دستمزد به میزان ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت.

او افزود که حقوق بازنشستگی نیز به همین میزان افزایش خواهند یافت. این میزان افزایش هنوز تورم سالانه را جبران نمی‌کند.

افزایش دستمزدها پس از حدود سه ماه اعتراض مردم به دولت مادورو بابت افزایش تورم، کمبود برخی کالاهای اساسی و میزان بالای جنایات، اعلام می‌شود.

کمبود دلار

مادورو با خطاب گرفتن کارگران در

بخش‌های کلیدی، گفت که امیدوار است "تا پایان سال جاری تورم را مهار و بر آن غلبه کنیم." او اعلام کرد که در روز اول ماه می حداقل دستمزد از ۳۲۷۰ بولیوار (معادل ۵۲۰ دلار) به ۴۲۵۲ بولیوار (۶۷۵ دلار) افزایش خواهد یافت.

منتقدان او می‌گویند که با توجه به نرخ برابری ارزی که دولت تعیین کرده است، افزایش واقعی حداقل دستمزد در بازار سیاه بیشتر از ۶۷ دلار نخواهد بود.

آنها می‌گویند که کنترل اکید معالات ارزی فقط باعث کمبود بیشتر دلار در کشور و جهش قیمت‌ها شده است.

هنریک کاپیرلس، یکی از رهبران اپوزیسیون ونزوئلا، می‌گوید که افزایش ۳۰ درصدی "ناکافی" است و جبران واقعی قدرت خرید، تنها در صورتی ممکن است که دستمزدها به بالاتر از سطح تورم کشیده شوند.

این افزایش ۳۰ درصدی در حداقل دستمزدها، پس از یک افزایش ۱۰ درصدی دیگر است، که تنها چند ماه پیش در حداقل دستمزدها اعمال شد.

مادورو حتی افزایش دیگری را در آخرین ثلث سال نیز منتفی ندانست و قول داد که در وقت موعود دست به ارزیابی مجددی از دستمزدها زده شود.

نارضایتی باقی است

از فوریه‌ی سال جاری، که مخالفان مادورو در اعتراض به نابسامانی اقتصادی کشور به خیابان‌های پایتخت آمدند، تا کنون ۴۱ تن در خشونت‌های مرتبط با اعتراضات کشته و صدها نفر زخمی شده‌اند.

معترضان مادورو را بابت "سوءمدیریت" اقتصاد این کشور نفت‌خیز سرزنش می‌کنند و می‌گویند تا او کنار نکشد از اعتراض دست نخواهند کشید.

هواداران "چاویسم" -قرائتی از سوسیالیسم که توسط چاوز عرضه شد و مادورو قول داده است که آن را پی گیرد- کاهش چشم‌گیر نابرابری، فقر و سوء‌تغذیه را که در ۱۵ سال گذشته متحقق شده است، تحسین می‌کنند.

دولت و برخی از گروه‌های اپوزیسیون در حال گفت‌وگو برای خاتمه دادن به اعتراضات هستند.



اخبار داخلی

دستگیری بیش از ۲۰ فعال کارگری در روز جهانی کارگر



به گزارش سایت "اتحادیه آزاد کارگران ایران"

بیش از ۲۰ تن از اعضای سندیکای رانندگان شرکت واحد تهران ظهر پنجشنبه در مراسم گرامی‌داشت روز جهانی کارگر دستگیر شدند ..

اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام این خبر می‌نویسد: هرگونه بازداشت و سرکوب کارگران را قویاً محکوم می‌نماید و خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان روز کارگراست.

پیش‌تر این خبر منتشر شده بود که در روز جهانی کارگر تعدادی از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در حال پخش شیرینی بین مردم در ترمینال آزادی دستگیر شده‌اند و افزون بر آنان، چهار عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران را نیز در این روز دستگیر کرده‌اند.

دستگیری ابراهیم مددی و تنی چند از اعضای سندیکا شرکت واحد

تجمع اعضای سندیکای رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به مناسبت روز جهانی کارگر (پنجشنبه، اول مه / ۱۱ اردیبهشت) در پایانه آزادی تهران، به علت حمله نیروهای امنیتی و یگان ویژه نیروی انتظامی انجام نشد.

داود رضوی، یکی از اعضای این سندیکا که در تجمع حضور داشت، به دویچه‌وله گفت:

نیروهای امنیتی در حالی که ابراهیم مددی جعبه شیرینی در دست داشت و به مردم تعارف می‌کرد به او حمله کردند، او را کتک زدند و شیرینی‌ها را

زیر پاهایشان له کردند. بعد هم او را سوار ون پلیس کردند و همراه دیگران بردند.

ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای شرکت واحد است و پیش از این نیز چندین بار سابقه بازداشت و زندان داشته است.



ابراهیم مددی پس از ضرب و شتم در پایانه آزادی تهران بازداشت شد

رضوی گفت ۲۲ تن دیگر نیز دستگیر شدند و طبق آخرین اخبار همه‌ی آنها به زندان اوین منتقل شده‌اند، اما مسئولان زندان از پذیرش آنها خودداری کرده‌اند. تا لحظه‌ی تهیه این گزارش، دستگیرشدگان در ون نیروی انتظامی و مقابل اوین بوده‌اند.

حسن سعیدی، اکبر نظری، وحید فریدونی، ناصر محمدزاده و محسن حسینی‌تبار از جمله دستگیرشدگان در میدان آزادی هستند.

به گفته‌ی رضوی، از اولین ساعات روز پنجشنبه اطراف میدان آزادی تا پایانه‌ی آزادی مملو از مأموران پلیس ویژه و لباس شخصی بود و در حقیقت امکان برپایی تجمع اصلاً به وجود نیامد.

دستگیری در مقابل ساختمان وزارت کار

همزمان با تجمع در پایانه‌ی آزادی، اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران نیز فراخوان تجمعی مقابل ساختمان وزارت کار را داده بود. به گزارش سایت رسمی این نهاد، از اولین ساعات صبح روز پنجشنبه، ساختمان اداره کار و تمامی محله‌های منتهی به آن، توسط نیروهای امنیتی اشغال شده و تحت کنترل شدید قرار داشت. بر اساس این گزارش، نیروهای پلیس و لباس شخصی مانع توقف عابران در این منطقه می‌شدند.

اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران همچنین از ضرب و شتم و در نهایت دستگیری شاهپور احسانی‌راد، عضو هیأت مدیره، و نیز پروین محمدی، یکی دیگر از اعضای اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران، خبر داده است. این دوتن قصد داشتند با بالا بردن پلاکارد، به دستگیری همکارانشان اعتراض کنند که صبح پنجشنبه صورت گرفته بود.

در اولین ساعت روز جهانی کارگر دو عضو هیأت مدیره اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران در منازل مسکونی‌شان بازداشت شدند. به گزارش سایت این اتحادیه، جعفر عظیمزاده و جمیل محمدی ساعت یک بامداد روز پنجشنبه با هجوم مأموران امنیتی به خانه‌هایشان دستگیر شدند.

بر اساس این گزارش، منزل مسکونی پروین محمدی نیز در روز چهارشنبه (۱۰ اردیبهشت) مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفته و در منزل شکسته شده است، اما به دلیل نبودن خانم محمدی در خانه، مأموران موفق به دستگیری او نشده‌اند.

اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران و به طور مشخص اعضای دستگیرشده آن، از ماه‌ها پیش اقدام به جمع‌آوری طوماری به نام "طومار چهل هزار امضایی" کرده‌اند. اعتراض به تصویب دستمزدهای زیر خط فقر، بیکاری و گرانی از جمله موارد ذکرشده در این طومار هستند. جعفر عظیمزاده چند روز پیش از دستگیری‌اش در گفت‌وگو با دویچه‌وله درباره این طومار توضیح داده بود.



جمیل محمدی، راست و جعفر عظیمزاده، چپ دو عضو بازداشت‌شده اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران

بر اساس گزارش سایت اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران، تعداد دیگری از کسانی که قصد داشتند مقابل وزارت کار تجمع کنند، دستگیر شده و توسط ون‌های پلیس به نقاط نامعلومی برده شده‌اند.

پیش‌تر خانه‌ی کارگر ایران درخواست برگزاری راهپیمایی در روز جهانی کارگر را داده بود، اما وزارت کشور این درخواست را رد کرده بود.



علت رد این درخواست از سوی وزارت کشور، سخنرانی حسن روحانی، رئیس جمهوری، در همین روز عنوان شده بود.

علیرضا محجوب، دبیر کل خانه کارگر ایران، به این تصمیم دولت اعتراض کرده و در مصاحبه با روزنامه "شرق" گفته بود: «اصل ۲۷ قانون اساسی در این زمینه تاکید کرده و حالا شوراهای تأمین و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اجازه ندارند با تفسیر به رأی مجوز راهپیمایی ندهند. مگر در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب کسی حرفی از مجوز راهپیمایی می‌زد؟ قرار است هر چه پیش‌تر می‌آیم حقوق و آزادی‌های شهروندی بیشتر به رسمیت شناخته شود نه اینکه محدودتر شود».

بیانیه مشترک چهار تشکل کارگری

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، سندیکای کارگران نقاش و تزئینات و اتحادیه نیروی کار، در بیانیه مشترکی به مناسبت روز جهانی کارگر، خواستار به رسمیت شناخته شدن و رعایت حقوق سندیکایی مانند تجمع، اعتصاب و راهپیمایی شده‌اند.

این چهار تشکل کارگری همچنین خواستار پرداخت فوری حقوق و دستمزد معوقه کارگران، تأمین امنیت شغلی و لغو قراردادهای سفید امضا و موقت، انحلال شرکت‌های پیمانکاری، رعایت استانداردهای ایمنی در محیط کار، رفع تبعیض و نابرابری بین بازنشستگان کارگری و لشگری و کشوری و لغو کار کودکان شده‌اند.

آزادی کارگران زندانی و پایان دادن به روند سرکوب فعالان کارگری از دیگر خواسته‌های مطرح شده در این بیانیه هستند. امضاکنندگان این بیانیه همچنین تقاضا کرده‌اند که "روز جهانی کارگر" (اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت) به عنوان تعطیل رسمی در تقویم ایران به رسمیت شناخته شود.

ارتقاء اعتماد بنفیس کارفرمایان در اخراج کارگران نمایندگان کارگران حمل و نقل پالایشگاه آبادان اخراج شدند

اخراج سیامک ملک و عباس غلامی پس از آن صورت گرفت که این دوکارگر به عنوان نماینده قانونی کارگران پیگیر مطالبات همکاران‌شان بودند.

دبیر خانه کارگر اهواز از اخراج دو نفر از نمایندگان بخش حمل و نقل پالایشگاه آبادان به دلیل آنچه «پیگیری مطالبات صنفی کارگران» می‌خواند، خبر داد.

آقایار حسینی درباره دلایل اخراج نماینده صنفی کارگران حمل و نقل پالایشگاه آبادان به ایلنا گفت: اخراج سیامک ملک با هفت سال و عباس غلامی با ۲۴ سال سابقه کاری، پس از آن صورت گرفت که این دو تن به عنوان نماینده قانونی کارگران پیگیر مطالبات همکاران‌شان بودند.

این فعال کارگری گفت: محدودیت به وجود آمده در حالی است که مطابق قانون هیچ کس حق دخالت و جلوگیری از فعالیت نمایندگان صنفی را ندارد.

در همین رابطه سیامک ملک یکی از نمایندگان بخش حمل و نقل پالایشگاه آبادان دلیل اخراج خود و همکارش را انجام وظیفه قانونی‌شان در پیگیری حقوق صنفی سایر کارگران ذکر کرد و مدعی شد: شرکت «ثمین صنعت» به عنوان مجری بخش حمل و نقل پالایشگاه آبادان در حالی من و همکارم را به بهانه‌ی اتمام مهلت قرارداد اخراج کرد که هنوز حدود یک ماه ونیم دیگر از اعتبار این قرارداد باقی‌است.

به گفته وی، در خصوص پیگیری مشکلات کارگران بخش حمل و نقل نامه‌های زیادی به مسئولان استانی و شهرستانی همانند اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی آبادان و به مدیرعامل شرکت نفت ارسال شده است. بخش حمل و نقل پالایشگاه آبادان را حدود ۸۰ راننده‌ی پایه یک تشکیل می‌دهند که همه‌ی این رانندگان مسئولیت هدایت خودروهای سنگینی چون بولدزر، گریدل، فلطک و لیفتراک را برعهده دارند.

توضیح کارفرما

در این رابطه کیومرث بهروج، کارفرمای شرکت ثمین صنعت فرزات با تایید اخراج سیامک ملک و عباس غلامی گفت: این دو کارگر به دلیل آنکه آرامش محیط شرکت را به هم ریخته‌اند اخراج شده‌اند. او با بیان اینکه این دو کارگر نماینده سایر کارگران نیستند، افزود: این دو با اقداماتی، مانع عقد قرارداد شرکت با سایر کارگران می‌شدند. به همین دلیل با هماهنگی کارفرمای اصلی (پالایشگاه آبادان) اخراج شده‌اند.

قوانین به سمت پول و سرمایه رنگ باخته است

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری ضمن انتقاد از کم توجهی به کارگران در ایران، نسبت به تداوم این

رویه هشدار داد. به گزارش خبرنگار ایلنا، حسن صادقی در هشتمین جشنواره‌ی اهدای نشان خدمت قانون کار که صبح امروز در دانشگاه علمی کاربردی خانه کارگر برگزار شد، گفت: در شرایطی قرار داریم که قوانین به سمت پول و سرمایه رنگ باخته و حمایت از سرمایه ارزش شده است، عباراتی همچون امنیت برای سرمایه و امنیت برای پول را به تکرار می‌شنویم در حالی که به انسان بی‌توجهی می‌شود حال آنکه اگر انسانی نباشد سرمایه‌ای نیز تولید نخواهد شد.

صادقی گفت: امروز سرمایه‌های شصت ساله‌ی کارگران مورد تعدی قرار می‌گیرد و عده‌ای به دنبال انشقاق تأمین اجتماعی هستند و به حوزه‌ی درمان این سازمان چشم طمع دوخته‌اند دولت جدید می‌خواهد منابع تأمین اجتماعی را که از دسترنج کارگران حاصل شده به یغما ببرد.

وی با اشاره به اختصاص ۴۰ هزار میلیارد تومان برای درمان مردم در سال گذشته تاکید کرد: اختصاص این مبلغ هنگفت و بهبود نیافتن وضعیت درمان مردم نشان داد صرف اختصاص پول به این حوزه جواب‌گو نیست.

جان کارگران مفت چنگ کارفرمایان



Iranian Labour News Agency

بر اثر واژگونی اتوبوس در فاز ۱۲ پارس جنوبی تمامی ۳۲ کارگر سرنشین مصدوم می‌شوند، که از این تعداد، یک کارگر دچار ضربه‌ی مغزی، یک کارگر دچار شکستگی از ناحیه کمر، یک کارگر دچار شکستگی گردن و تعدادی از کارگران از ناحیه دست، پا، فک و لگن دچار شکستگی می‌شوند.

پرویز گلریز کارفرمای شرکت پیمانکاری در فاز ۱۲ پارس جنوبی که کارگانش بر اثر واژگونی اتوبوس مصدوم شده‌اند، در توضیح علت این حادثه به ایلنا گفت: در شرکت دُرریز که در زمینه‌ی ساخت پالایشگاه فعالیت دارد، حدود دو هزار کارگر مشغول کار هستند که از طرف



شرکت برای حمل و نقل روزانه‌ی آنها ۷۰ خودروی اتوبوس دارای مجوز تردد اختصاص داده شده است. وی اضافه کرد: مجوز تردد همه‌ی این خودروها براساس برگه‌ی معاينه فنی پلیس راهنمایی و رانندگی صادر شده است. به گفته‌ی وی، در حال حاضر به دلیل کمبود خودروهای نو در منطقه‌ی پارس جنوبی و عسلویه، پیمانکاران از روی ناچاری با صاحبان خودروهای قدیمی قرار داد امضا می‌کنند.

اتوبوس‌های فرسوده

در همین رابطه یک فعال صنفی کارگری در بوشهر به ایلنا گفت: اکثر خودروهای حامل کارگران در منطقه پارس جنوبی و عسلویه قدیمی و فرسوده هستند.

«سید موسی میر جهانمردی» با بیان اینکه منطقه پارس جنوبی یکی از مناطق بزرگ کارگری در جنوب کشور است افزود: اکثر خودروهای سرویس رفت و برگشت کارگران فرسوده و غیر قابل استفاده‌اند.

به گفته‌ی وی، امنیت جانی و روانی کارگران با سوار شدن این خودروها سلب شده، بطوریکه این خودروها در حین انتقال کارگران در بیشتر موارد در مسیر خراب می‌شوند.

او در خصوص حادثه عصر گذشته گفت: این خودروها فاقد امکانات اولیه ایمنی بوده و خطرات جانی برای کارگران در پی دارند.

او گفت: شدت گرما در مناطق عسلویه و پارس جنوبی به حدی غیر قابل تحمل است که کارگرانی که با این خودروها تردد می‌کنند به دلیل نبود کولر و سایر امکانات رنج می‌برند و شاید برای به جریان افتادن هوا در داخل اتوبوس راننده تند می‌رفته است.

این فعال کارگری در پاسخ به این سوال که چرا پیمانکاران پارس جنوبی از خودروهای نو استفاده نمی‌کنند، گفت: این پیمانکاران به سبب اینکه کرایه خودروهای نو برایشان به صرفه نیست به سراغ اجاره خودروهای فرسوده می‌روند.

قطعه‌نامه‌های، تشکل‌ها و نهادهای
مستقل کارگری

روز جهانی کارگر گرامی باد

بیانیه‌ی مشترک سندیکای کارگران

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، هیأت موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات و اتحادیه‌ی نیروی کار پروژه‌ای:



اول ماه مه دوهزار و چهارده، برابر با یازده اردیبهشت هزار و سیصد و نود و سه با گرامی داشت خاطره‌ی تابناک کارگران جان‌باخته‌ی جنبش کارگری شهر شیکاگو که در بزرگداشت آنها اول ماه مه به روز جهانی کارگر نام‌گذاری و در تاریخ عدالت خواهی جاودانه شد.

ما این روز گرامی را به همه‌ی کارگران و زحمت‌کشان و کوشندگان راه عدالت و رهایی انسان از چنگال استثمار صمیمانه شادباش می‌گوییم.

بنا بر سنت‌های مبارزاتی افزون بر صد سال، سازمان‌های سندیکایی و دیگر مجامع و تشکل‌های کارگری جهان مبارزات و اعتراضات عدالت خواهانه‌ی مداوم خود را در اول ماه مه به اوج رسانده و فریاد حق طلبانه‌ی خود را به گوش جهانیان و دولت‌های سرمایه‌سالار می‌رسانند.

کارگران و زحمت‌کشان و عدالت دوستان این سرزمین نیز طی ده‌ها سال، همراه و هم‌صدا با کارگران جهان، خواسته‌ها و حقوق پایمال شده‌ی خود را از حاکمان طلب کرده و برای ایجاد جامعه‌ای با معیارهای عدالت اجتماعی جان و تن فرسوده‌اند.

بر پایه‌ی این آیین انسانی، ما همراه با اعتراض علیه همه‌ی سرکوب‌گری‌های وحشتناک حقوق کارگری و همه‌ی بی‌عدالتی‌های جاری، خواسته‌های خود را از حاکمیت بدین شرح اعلام می‌کنیم:

۱- به رسمیت شناختن و رعایت حقوق سندیکایی هم‌چون، تجمع، راهپیمایی، اعتصاب، گردهم‌آیی و دیگر اشکال اعتراضی و پایان بخشیدن به هر نوع سرکوب فعالان حقوق کارگری توسط دستگاه‌های رنگارنگ مختلف اطلاعاتی و امنیتی

۲- آزادی همه‌ی کارگران زندانی مدافع حقوق کارگری و اعاده‌ی همه‌ی حقوق پایمال‌شده‌ی آنان و همچنین آزادی همه‌ی زندانیانی که در دفاع از حقوق مردم ایران زندانی و یا دچار حصر و سلب آزادی شده‌اند. ما همچنین حمله به زندانیان و ضرب و شتم آنها را شدیداً محکوم و خواهان محاکمه و مجازات دستور دهندگان و حمله کنندگان هستیم.

۳- گسترش فقر و فلاکت و بیکاری و شکاف طبقاتی ناشی از اجرای سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و گسترش خصوصی‌سازی بر مبنای روش‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که نتایج شرم‌آمیز آن را حتی در کشورهای اروپایی شاهد هستیم، محکوم کرده و خواستار حمایت‌های همه‌جانبه‌ی اقتصادی و اجتماعی از کارگران و زحمت‌کشان و اقبال ضعیف اجتماعی که به علت گناه‌کاری مدیران گرفتار شده‌اند هستیم.

۴- ما ضمن اعتراض شدید علیه حداقل دستمزد سال ۱۳۹۳، خواستار تجدید نظر در این مصوبه و تعیین دستمزد امسال بر پایه‌ی تأمین هزینه‌ی یک خانوار کارگری بر مبنای ماده‌ی ۴۱ قانون کار هستیم.

۵- ما خواهان پرداخت فوری حقوق و دستمزد معوقه‌ی کارگران و تأمین امنیت شغلی و لغو قراردادهای اسارت‌بارسفيد امضا و موقت و انحلال شرکت‌های پیمانکاری هستیم

۶- بازگشت به کار و اعاده‌ی حقوق فعالان سندیکایی آقایان حسن سعیدی، وحید فریدونی، ناصر محرمزاده و حسین کریمی سبزواری که در دفاع از حقوق کارگران، بیکار، و همچنین اعاده‌ی حقوق آقایان علی اکبر پیرهادی و حسن کریمی را که در جریان اعتراضات کارگری از حقوق حقه‌ی خود محروم شده‌اند را خواهیم.



۷- کشتار، معلول و مجروح شدن روزافزون کارگران در حوادث حین کار را محکوم کرده و مسئول و مقصر اصلی این وضعیت اسفناک را وزارت کار می‌دانیم و در این رابطه خواستار رعایت استانداردهای ایمنی کار در محیط کار و مخصوصاً جاده‌ها می‌باشیم.

۸- ما خواهان یک زندگی شایسته و رفیع هرگونه تبعیض و نابرابری برای بازنشستگان کارگری و لشکری و کشوری می‌باشیم و اجرای طرح بیمه سلامت را از طریق دست‌اندازی به منابع و امکانات مالی کارگران در سازمان تأمین اجتماعی را محکوم می‌کنیم و خواهان محاکمه فوری و علنی قاضی مرتضوی به دلیل حیف و میل اموال کارگران هستیم.

۹- به منظور جلوگیری از پایمال شدن حقوق جمعی کارگران نظیر آنچه که در سازمان تأمین اجتماعی روی داد، ما خواهان حضور مؤثر نهادها و نمایندگان واقعی کارگران در مراکز تصمیم‌گیری

کلان به ویژه مراکز امور کارگری و بازنشستگان کارگری هستیم و مسئول اجرای این خواسته‌ی به حق را وزارت کار می‌دانیم.

۱۰- در راستای دفاع از کودکان کار و لغو کار کودکان، ما خواستار رعایت واقعی منشور بین‌المللی حقوق کودک می‌باشیم و ضمن محکومیت مسئولان مربوطه، از همه‌ی نهادهای مدافع حقوق کودک سپاسگزار و از آنان می‌خواهیم فشارهای اعتراضی خود را بر مسئولان افزایش دهند.

۱۱- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید از حالت یک تعطیلی خاص کارگران به یک تعطیلی کامل و رسمی نظیر دیگر تعطیلات عمومی ارتقا یافته و همراه با تعطیلی سراسری، حق برگزاری مراسم این روز توسط سندیکاها و مجامع کارگری مستقل به رسمیت شناخته شود.

۱۲- بازنده‌ی اصلی جنگ و خونریزی و نظامی‌گری، طبقه‌ی کارگر و زحمت‌کشان و اقشار ناتوان اجتماعی هستند بنابراین ما نیز همراه و هم‌صدا با همه‌ی کارگران و زحمت‌کشان و صلح‌دوستان جهان، خواهان پایان جنگ و جنگ‌طلبی و گسترش صلح و عدالت و آزادی در سراسر جهان هستیم.

۱۳- با سپاسگزاری از پشتیبانی صادقانه‌ی سازمان‌های بین‌المللی و دیگر سندیکاها و مجامع کارگری و عدالت‌خواه که از اعتراضات و حقوق کارگران ایران دفاع نمودند، در اتحاد با آنان یک‌بار دیگر همبستگی و حمایت خود را از مبارزات حق‌طلبانه‌ی کارگری در همه‌ی کشورها اعلام و سرکوبگری این مبارزات را محکوم می‌کنیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک
هیأت مؤسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات
اتحادیه‌ی نیروی کار پروژه‌ای
اول ماه مه دو هزار و چهارده برای با یازده اردیبهشت
هزار و سیصد و نود و سه

گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگران



سیاست اتحادیه آزاد کارگران ایران

قطعنامه‌ی کمیته‌ی پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری، انجمن برق و فلزکار کرمانشاه و کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

"روز اول ماه مه ۱۸۸۶ در شهر شیکاگو اعتصاب‌ها و راهپیمائی‌هایی همراه با تظاهرات برپا شد. کارگران در خیابان "هی مارکت" فریاد می‌زدند: هشت ساعت کار، هشت ساعت تفریح و استراحت، هشت ساعت خواب. سرمایه‌داران شیخ انقلاب را جلوی چشم‌هایشان می‌دیدند. پاسبان‌ها بی‌هیچ خطراتی به کارگران حمله کردند و جمعیت را زیر آتش گرفتند و عده‌ای کشته و زخمی شدند.

صدها نفر را بازداشت کردند، اما فقط کسانی را به دادگاه می‌فرستادند که برای هشت ساعت کار روزانه مبارزه می‌کردند. جمعه ۱۱ نوامبر رهبران جنبش را دار زدند. آن روز ثروتمندهای شیکاگو از ترس به خود می‌لرزیدند. در اولین یکشنبه‌ی بعد از اعدام، هزاران کارگر جنازه‌ها را در قبرستان والدهایم دفن کردند. اما هدف هنوز سر جای‌اش بود: مبارزه برای هشت ساعت کار روزانه و شرایط انسانی‌تر کار، مبارزه برای برقراری مناسبات انسانی‌تر میان انسان‌ها ادامه داشت و هنوز هم ادامه دارد."

(مری جونز، زنی از طبقه کارگر آمریکا)

و بار دیگر اول ماه مه فرا می‌رسد و کارگران سراسر جهان، بافنده‌ها، فلزکاران، معدن‌چیان، برپا کنندگان ساختمان‌ها و آسمان‌خراش‌ها و همه‌ی آنان که با کار و تولید ثروت و نعمت در زندگی، رفاه و آسایش را برای جوامع بشری به ارمغان می‌آورند به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند. کارگران در این روز ابزارها را رها می‌کنند، از پشت ماشین‌ها و میزهای کار بیرون می‌آیند، بیغوله‌ها و خانه‌های شان را ترک می‌گویند و با شانه‌های تکیده و استوار، در خیابان‌ها رژه می‌روند.

در اول ماه مه، کارگران این سازندگان تاریخ جوامع انسانی و صاحبان اندیشه‌های بلند، پرچم جنبش مطالباتی خود را در برابر مناسبات سرمایه‌سالار حاکم بر جهان به اهتزاز درمی‌آورند. آنها بار دیگر با تظاهرات گسترده‌ی خود در سرتاسر دنیا، اعتراض خود را به نابرابری و تبعیض، فقر و گرسنگی، ریاضت‌کشی اقتصادی و سرکوب سیاسی، جنگ و خشونت و تمامی مضائب و نابسامانی‌های نظام سرمایه‌داری



اعلام می‌دارند و فریاد آزادی خواهی و برابری طلبی را رسا و رساتر می‌کنند.

کارگران!

پس از گذشت ۱۲۸ سال از کشتار کارگران در شهر شیکاگو و خواست‌ها و مطالبات انسانی و برحق آنان، امسال نیز در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رویم که نظام سرمایه‌داری همچنان در چهار گوشه‌ی جهان شرایط زندگی را برای طبقه‌ی کارگر و بخش‌های وسیعی از بشریت امروز سخت و سخت‌تر کرده است. تشدید بیش از پیش تضاد طبقاتی و افزایش درآمد و ثروت اقلیتی از سرمایه‌داران و صاحبان قدرت و مکتنت و متقابلاً استثمار و بهره‌کشی اکثریت عظیمی از جامعه، خود نمایشی از چهره‌ی عربان و آشکار بربریت و توحشی است که نظام گندیده و متعفن سرمایه‌داری، برای اکثریت قریب به اتفاق بشریت، به ویژه در ربع آخر قرن بیستم و قرن بیست‌ویکم به ارمغان آورده است. تا آن جا که بر طبق آخرین آمارها، در شرایطی که بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان در زیر خط فقر امرار معاش می‌کنند، **دارایی تنها ۶۷ تن از ثروتمندان جهان، معادل دارایی نیمی از فقرا کره زمین است.**

بدون تردید وجود چنین فاصله‌های عظیم طبقاتی، خود، نتیجه‌ی استمرار مناسبات نابرابر و پوسیده‌ی سرمایه‌داری و به تبع آن سیاست‌های استثمارگرانه و ظالمانه‌ی حاکم بر دنیا است، که امروزه، به ویژه از طریق توصیه‌های نئولیبرالی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، به دولت‌ها دیکته شده و از این طریق به خورد مردم کارگر و استثمار شده‌ی جهان داده می‌شوند. توصیه‌هایی که از دولت‌ها می‌خواهد تا بار سنگین بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از تناقضات ذاتی این نظام و پیامدهای ویرانگر و ضدکارگری آن را با حذف سوبسیدها و کاهش هزینه‌های عمومی، بر دوش کارگران و اکثریت مردم به جان آمده و زحمت‌کش جامعه بگذارد.

در یک چنین مناسبات و البته در سایه‌ی یک چنین سیاست‌ها و توصیه‌هایی است که به ویژه در اوضاع و احوال کنونی جهان، از یک سو روزانه و ساعت به ساعت، بر دارایی‌ها و ثروت بی‌حساب و نجومی سرمایه‌داران افزوده می‌شود و از دیگر سو، فقرا (همه‌ی آنان که کار می‌کنند و با کار و تولید خود به کره‌ی خاکی و هر آنچه در اوست جان و هستی می‌بخشند) هر روز فقیرتر و بی‌چیزتر شده و به خانه‌ی خرابی و فقر مطلق کشانده می‌شوند. همچنین در پی اعمال یک چنین سیاست‌هایی است که امروزه جنگ‌های قومی- مذهبی و تخاصمات منطقه‌ای و انواع فجایع انسانی ناشی از آنها، همچون خرید و فروش مواد مخدر و گسترش اعتیاد و فحشاء، قاچاق انسان، کشتار کارگران در محیط‌های کار و نابودی محیط زیست و انواع مصائب و نابسامانی‌های اجتماعی و در یک کلام برده‌داری مدرن، به جزء جدائی‌ناپذیر جهان پیرامونی تبدیل شده است!

کارگران! انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌طلب!

امسال در حالی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که کارگران در ایران با یکی از ارزان‌ترین دستمزدهای موجود و متداول در جهان، امرار معاش می‌کنند. معنای تعیین حداقل

دستمزد کارگران به میزان ۶۰۹ هزار تومان، در دنیای واقعی این است که تک تک اتحاد کارگران باید به اشکال مختلف برای جبران مافات و کمبودهای عدیده‌ی زندگی، تن به اضافه‌کاری بدهند تا شاید بتوانند در مقابله با غول گرانی و تورم ایستادگی نموده و به زندگی خود و خانواده‌هایشان تنها دوام و بقا بخشند. مضاف بر این که به تعویق افتادن دستمزدها، بیکارسازی و اخراج کارگران، مرگ‌های فجیع و ناگوار در مراکز و محیط‌های کار و همراه با آن، تهدید و احضار و دستگیری و زندانی کردن کارگران توسط سرمایه‌داران و عوامل آنها در مراکز و دستگاه‌های سرکوب، امروزه به رویه‌ای مرسوم در جامعه تبدیل شده است.

علاوه بر این سرمایه‌داران از تمامی ظرفیت‌های قانونی و فرافانونی برای تحمیل انواع بی‌حقوقی و ستم به طبقه‌ی کارگر ایران بهره می‌برند. اما کارگران از حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل‌های مستقل و متکی به خود کارگران و حتی حق بیان آزادانه نظرات و باورهای خود محروم می‌باشند. کارگران و فعالان کارگری همچنین از اعلام نظر در باره‌ی سیاست‌های اقتصادی دولت منع می‌شوند تا سرمایه‌داری بتواند روند انباشت سرمایه را به قیمت فقر و فلاکت خیل عظیم مزدبگیران تحت ستم و استثمار جامعه ادامه دهد. کارگران همچنین از برگزاری راهپیمائی‌ها و مراسم آزادانه و مستقل روز جهانی کارگر، برای اعلام خواست‌ها و مطالبات خویش نیز، محروم هستند و تنها حق دارند که در مراسم‌های فرمایشی دولتی و کارفرمایی شرکت کنند. در سال‌های اخیر بسیاری از کارگران و فعالین کارگری را صرفاً به خاطر دفاع از بدیهی‌ترین حقوق و مطالبات کارگران، از جمله به خاطر شرکت در مراسم‌های مستقل این روز و طرح خواست‌ها و مطالبات طبقاتی طبقه کارگر در اول ماه مه، دستگیر و روانه‌ی زندان‌ها کرده‌اند و به شلاق، تبعید و حبس‌هایی طولانی‌مدت محکوم نموده‌اند.

ناگفته پیداست که کارگران به هیچ‌وجه نمی‌توانند و نباید در قبال این همه ستم و بی‌حقوقی ساکت بنشینند و تنها شاهد و ناظر خاموش و "سر به راه" وقایع و اتفاقات پیرامونی باشند. کارگری را که بر اثر حرص و ولع سیری‌ناپذیر سرمایه و سودجویی بی حد و حصر مشتی سرمایه‌دار به روز سیاه نشسته است، نمی‌توان صرفاً با حربه‌ی تهدید و ارباب و سرکوب و زندان، بر سر جای خود نشانند و اودار به سکوت کرد. کارگران قطعاً در مقابل این بی‌عدالتی‌ها و تعرضات ساکت نخواهند نشست. همان‌گونه که تاکنون ساکت ننشسته‌اند. آنان بارها و بارها اعتراض خود را نسبت به شرایط سخت و ذلت‌بار زندگی نشان داده و همواره به دفاع از حقانیت راه خویش و حرمت آن برخاسته‌اند، اگر چه هرگونه اعتراض و حق طلبی آنان همواره با تهدید و بازداشت و زندان پاسخ گرفته است.

ما کارگران دیگر در مقابل این وضعیت ضدانسانی و فلاکت‌بار و گسترش لحظه به لحظه عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد که بیش از این ما را به بازی بگیرند و حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. از نظر ما تداوم وضعیت موجود، سوق دادن زندگی و معیشت میلیون‌ها کارگر و خانواده‌هایشان از خط فقر به خط مرگ است. ما تعرض به زندگی و معیشت خود را بر نخواهیم تافت و متحد و یکپارچه در مقابل فقر و فلاکت و بی‌حقوقی تحمیل شده بر ما و خانواده‌هایمان ایستادگی خواهیم کرد.



و نشر و سایر حقوق سیاسی و اجتماعی، امروزه جزئی از حقوق مسلم و خدشه‌ناپذیر کارگران و همه‌ی آحاد مردم در سرتاسر دنیاست. ما کارگران خواهان برخورداری از تمامی این حقوق و مطالبات بوده و برای دستیابی به آنها تلاش و مبارزه خواهیم کرد.

۳- دستمزدهای معوقه‌ی کارگران و خسارت‌های ناشی از آن باید فوراً و بدون هیچ عذر و بهانه‌ای به کارگران پرداخت شوند. عدم پرداخت دستمزدهای معوقه‌ی کارگران، در واقع جرم آشکاری است که می‌بایست مورد پیگرد قضائی قرار گیرد. چنین دستمزدهایی باید همراه با خسارت‌های ناشی از آن، تماماً به کارگران پرداخت شوند.

۴- ما خواهان لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و حذف شرکت‌های واسطه‌ای و پیمانکاری، که نتیجه مستقیم و بلافصل آن عدم امنیت شغلی کارگران و تمکین در قبال انواع ستم‌گری و بی‌حقوقی است، از محیط‌ها و شرایط کار کارگران هستیم. بر همین اساس، ما به سهم خود از کارگران شرکت‌های پیمانکاری و کارگرانی که با قراردادهای موقت مشغول به کار هستند می‌خواهیم که با ایجاد تشکلهای مستقل و مرتبط با مسئله‌ی مورد نظر، در برابر این وضعیت و این بی‌عدالتی بین و آشکار دست به اعتراض و مبارزه زده و عوامل سرمایه را مجبور به لغو این نوع قراردادهای ذلت‌بار نمایند.

۵- اخراج و بیکارسازی کارگران توسط سرمایه‌داران در واقع یکی از راه‌های انداختن بار بحران سرمایه، بر دوش‌های کارگران و کسب سودهای نجومی و افسانه‌ای است. ما خواهان اقدامات دسته‌جمعی و متحد همه‌ی بخش‌های کارگری، علیه موج بیکارسازی و اخراج کارگران و مزدبگیران تحت ستم و استثمار و در همین رابطه پرداخت بیمه‌ی بیکاری مکفی، تا زمان اشتغال به کار مجدد این کارگران بر سر کار می‌باشیم.

۶- ما کارگران خواهان لغو هر نوع حکم اعدام و قطع فوری و بدون قید و شرط هرگونه اعمال فشار نسبت به کارگران و فعالان کارگری، و همین طور، فعالان دیگر جنبش‌های اجتماعی و به طور مشخص قطع تعقیب، تهدید، احضارهای مکرر کارگران و فعالان کارگری و بازداشت و زندانی کردن آنها می‌باشیم. ما همچنین خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه‌ی کارگران زندانی از جمله: رضا شهبابی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، رسول بوداغی، بهنام ابراهیم‌زاده، محمد مولانایی، یوسف آبخراوات، واحد سیده و تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و عقیدتی و همراه با آن، لغو احکام صادره علیه فعالان کارگری و فعالان سایر جنبش‌های اجتماعی و توقف پیگردهای امنیتی و قضایی، نسبت به آنان هستیم.

۷- ما کارگران خواهان اختصاص انواع بیمه‌های تأمین اجتماعی، از جمله بیمه‌های بازنشستگی و بیکاری و ... برای اکثریت قریب به اتفاق توده‌ی کارگران، به ویژه کارگران اخراجی و افراد آماده به کار، زنان خانه‌دار، کارگران از کار افتاده و دیگر آحاد جامعه هستیم. به باور ما، استفاده از مزایای بیمه‌های تأمین اجتماعی و دیگر امکانات آموزشی، بهداشتی و درمانی رایگان امروزه جزء حقوق مسلم و خدشه‌ناپذیر کارگران و عموم مردم زحمت‌کش و تحت ستم

ما تولید کنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم. داشتن يك زندگي انساني، مطابق با بالاترين استانداردهای حیات بشر امروز، حق مسلم و خدشه‌ناپذیر ماست. ما برای تحقق این امر خطیر، تلاش خواهیم کرد تا تمامی موانع پیش روی را، با اتکا به مبارزه و قدرت اتحاد و همبستگی‌مان و همچنین برپایی تشکلهای مستقل و طبقاتی، از سر راه برداریم. باید به وضعیت موجود خاتمه داده شود. ما کارگران دیگر تحمل این همه بی‌حقوقی و بی‌حرمتی به زندگی و معیشت خویش را نداریم. ما اعلام می‌کنیم که متحد و یک‌پارچه در مقابل آن ایستادگی خواهیم کرد.

ما ضمن محکوم کردن هرگونه تهاجم به مراسم‌های اول ماه مه و تأکید بر لزوم تشکلیابی، کسب آگاهی‌های طبقاتی و نیروی سازمان‌یافته و متشکل کارگران، یادآوری می‌کنیم که: به باور اعضا و فعالین این تشکلهای، رهایی از منجلاّب گنبد و متعفن سرمایه‌داری به عنوان علت‌العلل همه‌ی نابسامانی‌ها و سیه‌روزی‌های طبقه کارگر و توده‌های تحت ستم و استثمار مردم، فقط و فقط از راه الغای کامل نظام سلطه و استثمار سرمایه متحقق خواهد شد و بس. اما تا آن زمان و از جمله در راستای تحقق این امر خطیر، کارگران و فعالین کارگری متشکل در این کمیته‌ها، به سهم خود، برای پیگیری خواست‌ها و مطالبات زیر و به کرسی نشاندن آنها در حد توان تلاش و مبارزه خواهند کرد:

۱- در حالی که میزان تورم اعلام شده در سال ۹۲ توسط نهادهای رسمی دولتی (بانک مرکزی و مرکز آمار ایران) رقمی معادل ۲۴/۶ درصد و خط فقر اعلام شده از طریق همان نهادها، ماهانه رقمی معادل دو میلیون تومان را نشان می‌دهند، به اصطلاح "شورای عالی کار" معلوم نیست که بر چه اساسی و با کدام معیار منطقی و قانونی، حداقل دستمزد کارگران را در سطح تورم ۲۵ درصدی و میزان آن را ششصد و نه هزار تومان تعیین و اعلام نموده است؟ از جنبه‌های ضد کارگری و ضد انسانی این اقدام "شورای عالی کار" هم که بگذریم، این عمل حتی با قوانین مصوب و مورد پذیرش خود حکومت (ماده‌ی ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی) نیز خوانایی و مطابقت ندارد! واقعیت این است که این اقدام ضد کارگری "شورای عالی کار" همانا تحمیل مرگ تدریجی بر میلیونها کارگر و خانواده‌ی کارگری و در واقع توهین به مقام و منزلت کارگران است. با توجه به نرخ واقعی تورم و گرانی افسارگسیخته و سرسام‌آور کالاها و خدمات و انتظار صعود آن به سطوحی بالاتر از میزان موجود، تعیین این مقدار دستمزد برای کارگران (۶۰۹ هزار تومان، برای سال ۹۳) حتی کفاف مخارج چند روز کارگر و مزدبگیران تحت ستم و استثمار را هم نمی‌دهد. بر این اساس، ما کارگران ضمن رد شیوه‌ی "سه جانبه‌گرایی" تعیین حداقل دستمزد، توسط یک نهاد سرمایه‌داری ("شورای عالی کار")، خواهان انحلال این به اصطلاح "شورا" و اعتراض و مبارزه‌ی متشکل و سازمان‌یافته‌ی کارگران برای افزایش دستمزدها از طریق دخالت نمایندگان منتخب و واقعی کارگران، با توجه به نرخ واقعی تورم و سطح معیشت متعارف و معمول زندگی، حتی در همین نظام‌ها و جوامع (نظام‌ها و جوامع سرمایه‌داری) هستیم.

۲- برپایی تشکلهای مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب، تجمع، تحصن و راهپیمایی و حق آزادی بیان، طبع



و تحمیل انواع ستم و بی‌حقوقی نسبت به کارگرانِ ملیت‌های مختلف و به طور مشخص کارگران مهاجر افغانی مخالفیم و آن را اکیداً محکوم می‌کنیم. کارگران مهاجر افغان در ایران، تحت شرایط بسیار سخت و تأسف‌باری زندگی می‌کنند و از ابتدائی‌ترین حقوق و مطالبات انسانی خویش محرومند. ما ضمن محکوم کردن هرگونه ستم و تبعیض نسبت به این کارگران، خواهان برخورداری تمامی کارگران مهاجر، با هر ملیتی، از حقوق کامل شهروندی با مردم ایران و رعایت حرمت آنان می‌باشیم.

۱۴- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت‌های کارگری بین‌المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته‌های کارگران و توده‌های مردم به جان آمده در دیگر کشورهای جهان، خود را متحد طبقاتی تمامی بخش‌های طبقه کارگر و مبارزات برحق و برابری‌طلبانه‌ی آنان در سرتاسر دنیا دانسته و به ویژه در این روز بزرگ و تاریخی، بیش از هر زمان دیگر بر هم‌بستگی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه‌داری تأکید می‌کنیم. ما در عین حال خواستار تقویت سازمان‌یابی و مبارزات هدفمند و برنامه‌ی کارگران در سرتاسر جهان می‌باشیم.

ما همچنین معتقدیم که طبقه‌ی کارگر ایران می‌تواند در روز اول ماه مه، ضمن استفاده از تمامی اشکال مبارزه و اعتراض، بالاخص اعتراضات خیابانی، در مقابل نهادهای سرمایه‌عدم تمکین به وضع موجود را فریاد کند.

۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام شده و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود. ما خواهان لغو هرگونه محدودیت در برگزاری مراسم این روز جهانی هستیم.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری

انجمن برق و فلزکار کرمانشاه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

93/2/8

زنده باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران

قطعه‌نامه‌ی کارگران پروژه‌های پارس جنوبی، فعالان کارگری جنوب، فعالان کارگری ضدسرمایه‌داری کیلان، جمعی از کارگران پتروشیمی‌های منطقه ویژه ماهشهر و بندر امام، بخشی از کارگران محور تهران - کرج به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران همه‌ی کشورها در نبردی تاریخی برای رهایی از ستم‌های جامعه‌ی طبقاتی است. اول ماه مه روزی است که احساس قدرت و غرور ناشی از اتحاد صفوف مختلف کارگری همه‌ی کشورها را در دل میلیاردها تن از هم‌طبقه‌ای‌های ما زنده نگاه می‌دارد. در طول ۱۲۸ سالی که از تظاهرات بزرگ کارگران شیکاگو در آمریکا برای برقراری هشت ساعت کار روزانه می‌گذرد،

جامعه در بسیاری از کشورها به شمار می‌آید و پرداخت آن به عموم مردم کارگر نیز در ردیف پاسخ‌گویی به نیازها و ضروریات اولیه و مسلم هر جامعه‌ای است. بیمه‌های تأمین اجتماعی اگر می‌خواهد که به نحو مطلوبی از آن استفاده شود می‌بایست که به دست نمایندگان منتخب و واقعی خود کارگران و آحاد مردم زحمت‌کش جامعه اداره شود.

۸- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه‌ی اقتصادی هستیم و هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان را قویاً محکوم می‌کنیم.

۹- کارگران باید در محل کار خود از استانداردهای مربوط به ایمنی و بهداشت کار برخوردار باشند. به علاوه کلیه قوانین و استانداردهای جهانی مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور، باید بدون قید و شرط و هرگونه عذر و بهانه‌ای، در مورد کارگران به مرحله‌ی اجرا گذاشته شوند.

۱۰- ما ضمن تأکید بر اتحاد و همبستگی بخش‌های مختلف طبقه کارگر و اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان و پرستاران و سایر اقشار و بخش‌های این طبقه، از مبارزات عدالت‌طلبانه و برحق آنان جهت احقاق حقوق مسلم شان دفاع نموده و در حد توان برای دستیابی به آن حقوق و مطالبات، تلاش و مبارزه خواهیم کرد. ما همچنین پشتیبانی خود را از تمامی جنبش‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلب، همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان و حق تشکل‌یابی آنان اعلام می‌داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش‌ها را قویاً محکوم می‌کنیم.

۱۱- ما خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی، و محو کلیه قوانین تبعیض‌آمیز علیه آنان می‌باشیم. اعضا و فعالان تشکل‌های امضاکننده‌ی زیر، خود را در مبارزه‌ی زنان برای رسیدن به حقوق کامل‌شان با مردان، سهیم و ذینفع دانسته و از تمامی کارگران و توده‌های مردم عدالت‌طلب و آزادی‌خواه جامعه می‌خواهند که برای تحقق این امر خطیر و به کرسی نشاندن تمامی خواسته‌ها و مطالبات ویژه‌ی زنان، به عنوان نیمی از جامعه، از هر طریق ممکن دست به فعالیت و مبارزه بزنند.

۱۲- پدیده‌ی کودکان کار به شکل غیرقابل‌تصور در حال گسترش است. نظام سرمایه‌داری با هدف پایین نگه داشتن سطح دستمزدهای کارگران جهت استثمار هرچه فزاینده‌تر آنان و از این طریق سوداندوزی بیشتر و بیشتر، تحت عناوین و بهانه‌های مختلف، این پدیده (کار کودکان) را در سرتاسر دنیا گسترش می‌دهد. کار کودکان باید ممنوع شود و هر طرحی برای رسمیت بخشیدن این پدیده، تحت هر عنوان و بهانه‌ای می‌بایست محکوم گردد. همه‌ی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین و نوع جنسیت و وابستگی‌های ملی و نژادی و مذهبی، از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی رایگان و یکسانی برخوردار باشند.

۱۳- ما کارگران بخشی از طبقه‌ی کارگر جهانی هستیم و به سهم خود از حقوق و حرمت انسانی همه‌ی کارگران و بشریت عدالت‌طلب و آزادی‌خواه دفاع می‌کنیم. ما با اخراج



که بر زنان به طور کلی وارد می‌شود ستم و تبعیض اقتصادی و شغلی را هم باید تحمل کنند.

در حالی که مصائب و مشکلات کمرشکن زندگی کارگران و زحمت‌کشان را احاطه کرده است، شورای عالی کار (نمایندگان کارفرمایان- وزیران و نمایندگان شورای اسلامی کار) مزد حداقل اسمی سال ۱۳۹۳ را به میزان ۶۰۸ هزار و ۹۰۶ تومان تعیین کرد، این مبلغ بیانگر ۲۵ درصد افزایش مزد اسمی نسبت به سال پیش است. مزد حداقل ۶۰۸ هزار و ۹۰۶ تومان در حالی اعلام می‌شود که خط فقر در ایران یک میلیون و ۰۰ هزار تا دو میلیون تومان در ماه است. در حالی چنین مژدی برای بخش اعظم کارگران ایران تعیین می‌شود (چون بخش اعظم کارگران ایران مژدی کمتر از مزد حداقل و یا معادل آن دریافت می‌کنند) که میانگین هزینه‌ی یک خانوار شهری چهار نفره در سال ۱۳۹۳- براساس خوش‌بینانه‌ترین پیش‌بینی تورم سال آینده- برابر دو میلیون و پانصد هزار تومان در ماه است. یعنی مزد اکثریت کارگران ایران، براساس تصمیم ضد کارگری شورای عالی کار، از یک‌چهارم هزینه‌ی متوسط یک خانوار شهری کمتر است. تصمیم ضد کارگری شورای عالی کار، که البته انتظار دیگری از آن نمی‌توان داشت، نسخه‌ی مرگ تدریجی کارگران است.

آزادی کارگران از زنجیرهای ستم و استثمار طبقاتی تنها به دست خود کارگران ممکن است. باید مبارزه، اعتراض و مقاومت را گسترش داد. باید متحد و متشکل شد، باید سازمان‌های اقتصادی- اجتماعی کارگران و حزب سیاسی طبقه کارگر را برای برانداختن سرمایه‌داری و محو نظام طبقاتی ایجاد کرد. طبقه‌ی کارگر در مسیر تاریخی و دوران‌ساز خود همواره از یک‌سو با اهداف و خواست‌های فوری و مبرم و از سوی دیگر با اهداف درازمدت و تاریخی مواجه است که از یک‌دیگر جدایی ناپذیرند. اول ماه مه روز همبستگی طبقه‌ی کارگر و روز اعلام جمعی خواست‌ها و مطالبات مشترک همه‌ی کارگران است. ما همه‌ی کارگران، فعالان کارگری و تشکل‌های کارگری را به ضرورت مبارزه مشترک حول خواست‌ها و مطالبات مشترک طبقه‌ی کارگر فرا می‌خوانیم:

۱- اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران همه‌ی کشورها در مبارزه با سرمایه‌داری است و باید تعطیل رسمی اعلام گردد و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری این روز ملغی گردد.

۲- کارگران ایران بزرگ‌ترین طبقه‌ی اجتماعی و بزرگ‌ترین مولد ثروت در کشورند و با خانواده‌های‌شان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند. بدین‌سان طبیعی است که کارگران خواهان دست‌کم مژدی معادل هزینه‌ی متوسط زندگی یک خانوار شهری (طبق آمار بانک مرکزی) باشند. چنین مژدی باید هر ساله به تناسب تورم و نیز افزایش بارآوری اجتماعی کار افزایش یابد.

۳- ایجاد و به رسمیت شناساندن تشکل‌های مستقل کارگری (مستقل از کارفرمایان و عوامل‌شان، مستقل از دولت، مستقل از احزاب سیاسی و مستقل از نهادهای دینی) بدون هیچ پیش شرطی.

۴- پرداخت فوری مرزدها و سایر مطالبات عقب‌افتاده‌ی کارگران



تظاهراتی که پلیس و دیگر مزدوران سرمایه آن را به گلوله بستند، همه ساله میلیون‌ها کارگر در سراسر گیتی طی نسل‌های متوالی، این روز را گرامی داشته‌اند و می‌دارند. اول ماه مه نقطه‌ی عطفی برای آگاهی طبقه‌ی کارگر از وضعیت خود و جامعه، نقاط ضعف و قوت و علل آنها و چگونگی رهایی از شرایط و علل استثمار و ستم طبقاتی است. زمانی است که کارگران باید موقعیت خود و طبقه‌ی سرمایه‌دار را بررسی کنند، اهداف و خواست‌های خود را به طور روشن مطرح نمایند و پیگیری و جسارت خود را برای دستیابی به خواست‌های‌شان، راسخ‌تر و سنجیده‌تر به کارفرمایان و سرمایه‌داران نشان دهند.

طبقه‌ی کارگر ایران بزرگ‌ترین طبقه‌ی اجتماعی کشور است و همه‌ی محصولات مادی و معنوی جامعه یا به طور مستقیم محصول کار این طبقه است یا به طور غیرمستقیم متکی به کار او است. اما طبقه‌ی کارگر از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در بدترین و دون‌شان‌ترین وضعیت قرار دارد.

نظام سرمایه‌داری وضعیت اقتصادی و سیاسی خطرناک و فاجعه‌باری برای کارگران و دیگر توده‌های زحمتکش به وجود آورده است. طبق آمار رسمی ایران نرخ متوسط تورم در سال ۱۳۹۲ به حدود ۴۰ درصد رسید و در سال ۱۳۹۳ هم نرخ تورم بالائی پیش‌بینی می‌شود. جمعیت بیکاران به چهار میلیون و سیصد هزار نفر بالغ می‌گردد که بیش از ۹۶/۵ درصد آنها هیچ کمک و درآمدی دریافت نمی‌کنند. میلیون‌ها کودک در شهرها و روستاها (طبق آمار یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در رده‌ی سنی ۱۰ تا ۱۸ سال) مجبور به کار هستند و این وضعیت باعث محروم شدن این کودکان از تحصیل، رشد جسمی و روانی مناسب می‌شود. آنها نه تنها شدیداً استثمار می‌شوند بلکه در معرض انواع خطرهای جسمی، روحی و اخلاقی قرار دارند و از سوی دیگر استثمار وحشیانه‌ی کودکان و مزد ناچیز آنها، باعث کاهش بیشتر مزد زنان و مردان نیز می‌گردد و به تشدید استثمار دامن می‌زند.

نابرابری مزد زنان نسبت به مردان در مقابل کار برابر، به عریان‌ترین شکلی در جامعه اعمال می‌شود. نسبت مزد زنان به مردان برای کار برابر حدود ۵۹ درصد گزارش شده است. زنان کارگر و زحمتکش، علاوه بر ستمها و تبعیض‌های



۱۸- برقراری بیمه‌ی بیکاری برای کارگران بیکار و جویندگان کار با مزدی دست کم برابر مزد حداقل.

۱۹- کارگران همه‌ی کشورهای طبقه‌ی واحدی هستند و همگی زیر بهره‌کشی و ستم سرمایه‌داران و دولت‌های سرمایه‌داری قرار دارند. منافع بنیادی، درازمدت و تاریخی کارگران همه‌ی کشورهای مشترک است. بدین سان رابطه‌ی بین کارگران جهان باید همبستگی و اتحاد باشد. ما خواستار برابری حقوق کلیه‌ی کارگران ساکن ایران فارغ از ملیت، جنسیت و مذهب آنان هستیم. ما مخالف هر نوع تبعیض به ضد همه‌ی کارگران مهاجر یا دیگر کارگران سایر ملیت‌ها که در ایران شاغل و یا ساکن‌اند می‌باشیم.

۲۰- ما از مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران در سراسر گیتی برای بهبود زندگی مادی و معنوی خود و مقابله با بحران ویرانگر و جهان‌گیر سرمایه‌داری پشتیبانی می‌کنیم، ما همبستگی خود را با مبارزات مردم زحمت‌کش کشورهای زیر سلطه و عقب‌مانده به ضد استثمارگران داخلی و غارتگران و تجاوزگران و اشغالگران خارجی اعلام می‌نمائیم، ما هر نوع توطئه توسط دولت‌های سلطه‌طلب، خواه در شکل تجاوز نظامی و خواه به صورت به اصطلاح حمایت از حقوق مردم زیر ستم را محکوم می‌کنیم و برآنیم که ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی تنها حق خود مردم هر کشور است، ما نه تنها سرکوب مبارزات توده‌ها، بلکه اعمال نفوذ در این مبارزات و تلاش برای کارگردانی آنها و جهت دادن بدان‌ها از سوی نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی از هر قماش را قاطعانه رد می‌کنیم.

۲۱- ما هرگونه سیاست مبتنی بر نظامی‌گری، عظمت‌طلبی و سلطه‌جویی را از جانب هر کشوری که باشد قویاً محکوم می‌کنیم. ما با همه‌ی سیاست‌های عظمت‌طلبانه و سلطه‌جویانه‌ی قدرت‌های جهانی و قدرت‌طلبان منطقه‌ای مخالفیم. چنین سیاستی که متکی بر منافع استثمارگرانه‌ی چپاولگران خارجی و داخلی است، به جنگ‌های تجاوزگرانه و سلطه‌گرانه، به تهدید جنگ، به تقویت نظامی‌گری و به اعمال تحریم‌ها و وخیم‌تر کردن زندگی مردم دامن زده و فضای اجتماعی و سیاسی را به شدت مسموم و خفقان‌آور کرده است. ما طرفدار صلح همراه با آزادی و دموکراسی هستیم.

۲۲- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت‌های بین‌المللی کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته‌های کارگران در سراسر جهان، خود را متحد آنان می‌دانیم و بیش از هر زمان دیگر بر همبستگی بین‌المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه‌داری تأکید می‌کنیم.

کارگران پروژه‌های پارس جنوبی
فعالان کارگری جنوب
فعالان کارگری ضد سرمایه‌داری گیلان
جمعی از کارگران پتروشیمی‌های منطقه ویژه ماهشهر و بندر امام
بخشی از کارگران محور تهران - کرج
اردیبهشت ۱۳۹۳

بی‌هیچ عذر و بهانه؛ در صورت امتناع کارفرما و یا ناتوانی او در پرداخت مزد کارگران، دولت مکلف است مزد کارگران را با خسارت ناشی از دیرکرد بپردازد.

۵- لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، به رسمیت شناختن حق انعقاد پیمان‌های جمعی کار بین کارگران و کارفرمایان و مبارزه با اخراج کارگران به ویژه فعالان حقوق کارگری.

۶- پرداخت مزد برابر به زنان و مردان برای کار یکسان، لغو همه‌ی تبعیضات جنسی، مذهبی، قومی و ملی در زمینه‌ی استخدام و تصدی مسئولیت‌های شغلی و اجتماعی.

۷- منع کار کودکان زیر ۱۶ سال، برخورداری همه‌ی کودکان از تأمین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشی، رفاهی، بهداشتی و ورزشی رایگان.

۸- آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه‌ی کارگران، معلمان و دانشجویانی که به دلایل سیاسی، عقیدتی یا مبارزه برای خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی زندانی شده‌اند. بازگشت به کار کارگران و معلمان زندانی و پرداخت حقوق و مزایای مدتی که زندانی و بازداشت بوده‌اند. لغو ممنوعیت تحصیلی دانشجویانی که فعالیت سیاسی داشته‌اند و به این خاطر محکوم شده‌اند.

۹- آزادی فوری زندانیان سیاسی و عقیدتی و منع تعقیب آنها.

۱۰- آزادی بیان، قلم، عقیده، مطبوعات و دیگر رسانه‌های جمعی، لغو سانسور، منع شکنجه و لغو مجازات اعدام.

۱۱- حق گردهم‌آیی، تظاهرات و اعتصاب، عدم دخالت پلیس، نیروهای انتظامی و امنیتی برای پایان دادن به اعتصاب.

۱۲- برقراری کنترل مستمر کارخانه و کارگاه‌ها و دیگر محیط‌های کار از نظر بهداشتی و ایمنی برطبق استانداردهای جهانی توسط نمایندگان منتخب کارگران، برکناری و برخورد قاطعانه با تمام دست‌اندرکاران بخش دولتی و خصوصی که در سوانح فاجعه‌بار کار به طور مستقیم و غیرمستقیم نقش داشته‌اند.

۱۳- بیمه‌های تأمین اجتماعی حق تمام افراد جامعه است. اداره‌ی این نهاد باید به دست نمایندگان منتخب کارگران در سراسر کشور صورت گیرد. پوشش کامل همه واحدهای کار زیر ۱۰ نفر توسط قانون کار و بیمه‌های اجتماعی.

۱۴- پرداخت مستمری بازنشستگان به میزان آخرین مزد و حقوق دریافتی، به شرطی که از مزد حداقل پایین‌تر نباشد، بهره‌مندی آنان از تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی.

۱۵- برقراری و اجرای دقیق حداکثر ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیلی متوالی در هفته و یک ماه تمام مرخصی سالانه با حقوق و مزایا.

۱۶- برقراری حداقل چهار ماه مرخصی با حقوق و مزایا برای زایمان و زمان بارداری زنان کارگر، پوشش کامل هزینه‌های زایمان و مراقبت‌های پزشکی و پیراپزشکی و آزمایش‌ها و غیره زنان کارگر توسط سازمان بیمه اجتماعی.

۱۷- حق شرکت و دخالت سازمان‌های مستقل کارگری در تدوین قانون کار.



قطعه‌نامه‌ی کارگران شهر سقز



امسال در حالی که پیشواز اول ماه مه روز جهانی کارگر می‌رویم، که سرمایه‌داری جهانی بیش از پیش در بحران فرو رفته است. دیگر دوران رونق سرمایه‌سپری شده است و سرمایه‌ی بحران‌زا با بحرانی دائمی دست به گریبان است. سرمایه برای سرپا نگه داشتن تولید ارزش اضافی، بیش از پیش به ستون و پایه‌ی اصلی خویش، یعنی به نیروی کار هجوم می‌برد، سطح معیشت کارگران را پایین می‌آورد و آنان را دسته دسته اخراج می‌کند. سلطه‌ی رفرمیسم بر جنبش کارگری و نبود تشکلهای کارگری نیز زمینه را برای این یورش سرمایه به اردوی کار تسهیل کرده است.

اما در ایران، وضع از این به مراتب اسفناک‌تر و فاجعه‌بارتر است، زیرا سرمایه‌داری، با اتکا به اهرم‌های مختلف از جمله فشار بر فعالان کارگری و کارگران آگاه، تحمیل بی‌حقوقی کامل بر تمام کارگران، پایین نگه داشتن دستمزدها و بیکارسازی عظیم، فشار مضاعفی به کارگران تحمیل می‌کنند. کارگران به واسطه‌ی پایین بودن دستمزد و سطح معیشت به اضافه‌کاری و در بسیاری از موارد به مشاغل دوم و سوم تن می‌دهند. در این میان سرمایه‌داران در مقابل مطالبه‌ی امنیت شغلی، کارگران را بی‌وقفه مورد حمله قرار می‌دهند.

با توجه به وضعیت کنونی کارگران در ایران، ما شعار محوری مراسم اول ماه مه امسال را به جهت اهمیت آن برای زندگی و معیشت کارگران « مبارزه‌ی سراسری برای افزایش دستمزد، اخراج و بیکارسازی» قرار داده‌ایم. ما معتقدیم حمله به کارگران و دستگیری آنان به جرم مطالبات خود توسط عوامل سرمایه به هم‌طبقه‌های‌مان، آخرین بار نبوده و نخواهد بود. درعین حال، ما کارگران دریافته‌ایم که مقابله با یورش سرمایه تنها و تنها در سایه‌ی سازماندهی سراسری کارگران امکان‌پذیر است. ما معتقدیم در نبود این سازماندهی است که سرمایه همواره و بی‌امان ضربات وحشیانه‌ی خود را بر پیکر طبقه‌ی کارگر فرود می‌آورد. افزون بر این، ما درعین آن که خود را متعهد و ملزم می‌دانیم که درصاف مقدم مبارزه برای خواسته‌ها و مطالبات روزمره‌ی کارگران قرار گیریم، براین باوریم که رهایی نهایی طبقه‌ی کارگر از سیاه‌روزی و نکستی که نظام سرمایه‌داری به طبقه‌ی کارگر تحمیل کرده است در گرو مبارزه برای لغو کارمزدی است.

با توجه به موارد فوق ما کارگران خواسته‌ها و مطالبات

خویش را به شرح زیر اعلام می‌کنیم:
۱- اول ماه مه روز جهانی کارگر، کارگران همراه با خانواده‌های‌شان بتوانند بدون نیاز به کسب مجوز، بدون کنترل و مزاحمت پلیس، این روز را براساس سنت‌های جهانی آن برگزار کنند.

۲- بحران سرمایه‌داری به یکی از حادثترین مراحل خود رسیده است، کارخانه‌های دولتی یکی پس از دیگری به بخش خصوصی فروخته می‌شود و کارگران را دسته دسته تحت عنوان بازخرید و یا با استناد به بند ح از ماده‌ی ۲۱ قانون کار، در واقع اخراج می‌کنند، به طوری که اکنون اخراج و بیکاری به عاملی خانمان‌سوز برای زندگی کارگران تبدیل شده است. ما کارگران را فرا می‌خوانیم که فریب وجوهی که تحت عنوان حق سنوات داده می‌شود را نخورند و با مقاومت متحدانه در برابر اخراج، خواستار اشتغال دائم و امنیت شغلی شوند.

۳- ما کارگران خواهان لغو فوری کلیه‌ی قوانین و مصوبات ضد کارگری موجود از جمله قراردادهای موقت کار، قرارداد یک‌سویه، قرارداد اجباری که این روزها توسط شرکت‌های پیمانکار منعقد می‌گردد، هستیم.

۴- در نبود تشکلهای خودساخته‌ی کارگری، دستمزد بر اساس واقعیت‌های موجود یک زندگی امروزی تعیین نمی‌شود، ما خواهان تعیین دستمزد بر مبنای یک زندگی امروزی برابر با تورم موجود و لغو بخشنامه‌ی شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزد تعیین شده سال ۱۳۹۳ هستیم.

۵- حقوق معوقه‌ی کارگران باید یک‌جا و فوری همراه با خسارت آن پرداخت گردد. دولت و مجریان قانون حق ندارند حقوق معوقه‌ی کارگران را به افساط تبدیل کنند. ما خواستار بازداشت کارفرمایان خاطی تا وصول حقوق‌های معوقه‌ی کارگران هستیم.

۶- ما کارگران خواهان کاهش ساعات کار برای تأمین اوقات فراغت در قالب دو روز تعطیل متوالی در هفته هستیم.

۷- بیمه‌ی بیکاری از دستاوردهای مبارزات پیشین کارگران جهان است. ما خواهان برخورد مناسب با شأن و منزلت انسانی با بیکاران و بیمه‌ی بیکاری مکفی و متناسب با سطح زندگی امروزی به کلیه‌ی افراد بیکار از جمله زنان و مردان تا زمان ارائه‌ی کار مناسب از سوی دولت هستیم و صندوق بیمه‌ی بیکاری موظف است به کارگرانی که بیمه‌ی بیکاری دریافت می‌کنند، عیدی پرداخت نماید.

۸- کارگران بیکار در بی‌حقوقی مطلق به سر می‌برند، بسیاری از آنان در معرض فروپاشی خانواده‌های‌شان قرار دارند، بارها شاهد کشته شدن فرزندان به دست کارگران بیکار بوده‌ایم، بارها شاهد فحشا و تن‌فروشی زنان و دختران از بین همین کارگران بیکار بوده‌ایم، در نبود کار، کارگران بیکار مورد انواع سوءاستفاده‌ها قرار می‌گیرند. آنان به حمایت هم‌طبقه‌ای‌های شاغل‌شان نیاز دارند. ما کارگران شاغل را به حمایت از همکاران بیکارشان فرا می‌خوانیم. ما خواهان ممنوعیت اخراج‌ها و بازگشت فوری کارگران بیکار بر سر کارشان هستیم.



سرمایه‌داری علیه مردم تحت ستم است. ما کارگران ضمن ابراز همدردی با ملت‌های جنگ‌زده در منطقه، از جمله سوریه، هرگونه جنگ را محکوم می‌کنیم.

۱۸- مبارزه‌ی طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری مبارزه‌ای جهانی است. ما کارگران ضمن حمایت از مبارزات کارگران کشورهای مختلف، کارگران جهان را برای ایجاد اترناسیونال کارگری فرا می‌خوانیم.

این قطعنامه با یک مقدمه و ۱۸ بند در تاریخ ۶/۲/۹۳ با حضور جمعی از کارگران شهر سقز تدوین و مصوب شد.

ما تدوین‌کنندگان این قطعنامه، از تمام کارگران سقز و حومه از جمله کارگران شهرک صنعتی قهرآباد، کارگران بیمارستان، کارگران شهرداری، کارگران خباز، کارگران سطح شهر می‌خواهیم که در مراسم‌های دولتی شرکت نکنند و به هر شکل ممکن مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کنند و از این قطعنامه که خواست و مطالبات ما کارگران است استفاده کنند.

بیانیه‌ی اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای

گرامی باد اول ماه مه روز رزم مشترک کارگران جهان

وحدت طبقاتی زحمت‌کشان جهان در اول ماه مه، روز جهانی کارگر، جدی‌ترین و ملموس‌ترین دستاوردی است که هر ساله یادآوری می‌کند که ما کارگران، صاحب توان و قدرتی جهان‌گیر هستیم. قدرتی که اگر در ارتباطی مداوم و سازمان‌یافته قرار گیرد، هیچ نیرویی را یارای مقابله با آن نیست. طبقه‌ی کارگر در این روز به رغم محدودیت‌های بی‌شمار برای به صحنه درآوردن همه‌ی نیروی خود، باز هم هراس بر دل صاحبان سرمایه و حامیان و نمایندگان سیاسی‌شان در قدرت می‌اندازد. همین هراس است که صاحبان قدرت را بر آن می‌دارد تا امکان این قدرت‌نمایی را از کارگران سلب کنند.

این بدان معنی است که دشمنان طبقاتی ما توان و نیروی بالقوه‌ی ما را می‌شناسند و با تمام قدرت از بالفعل شدن آن جلوگیری می‌کنند. گویا این خود طبقه‌ی کارگر است که هنوز اعتماد به نفس لازم را برای به رخ کشیدن توان و اعمال قدرت به دست نیاورده. روز جهانی کارگر این فرصت را به ما می‌دهد تا نیروی طبقاتی خود را در جهان ببینیم، فرصتی است تا صف واحد طبقاتی را تشکیل دهیم و فریاد برابری‌خواهانه و ضد تبعیض و ستم طبقه‌ی کارگر را به گوش جهانیان برسانیم. نیروی طبقاتی خودمان را باور کنیم و آن را به دشمنان برابری و بهره‌کشان تحمیل نماییم.

سرمایه داران هرگز با خواهش و اصرار بر قانون و اخلاق، از سود خویش، که با تضییع حقوق ما به دست می‌آورند، کوتاه نخواهند آمد. برای به دست آوردن تنها اندکی از حقوق غارت‌شده‌مان، هیچ راهی جز متشکل شدن و یکی کردن نیروی طبقاتی‌مان نداریم. پس روز اول ماه مه را آغازی برای وحدت کارگران و زحمت‌کشان قرار دهیم و تلاش کنیم تا با

۹- کارگران بازنشسته به لحاظ سطح زندگی و معیشت در وضعیت مشتقت‌بار و رقت‌انگیزی به سر می‌برند. زندگی کارگران بازنشسته به هیچ‌وجه در شأن زندگی انسان امروزی نیست. ما خواهان تأمین زندگی کارگران بازنشسته و خانواده‌های‌شان هستیم. به طوری که کارگران بازنشسته به واسطه‌ی نازل بودن سطح معیشت بعد از عمری کار مجبور به اشتغال مجدد نباشند.

۱۰- کودکان در کارگاه‌های نمور و زیرزمینی و درخیابان‌ها به عنوان ارزان‌ترین کارگران به کار گرفته می‌شوند، دولت موظف است تا به خانواده‌هایی که نان‌آور آنان کودکان هستند حقوق و مزایای شایسته‌ی یک زندگی امروزی فارغ از تعلقات خانوادگی پرداخت نماید و کودکان باید با هزینه‌ی دولت مشغول به تحصیل شوند.

۱۱- زنان کارگر در مقایسه با مردان از حقوق و مزایا و فرصت‌های شغلی کم‌تری برخوردارند. ما خواهان رفع تبعیض از زنان و برخورداری آنان از دستمزد و مزایای برابر در ازای کار برابر با مردان و همچنین خواهان لغو آپارتاید جنسی و برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی هستیم. زن، همسر یا مادر بودن نباید مانع اشتغال و یا ارتقای شغلی زنان باشد. شرایط کاری زنان باید به گونه‌ای باشد که امکان تلفیق مسئولیت مراقبت از فرزندان را با کار در بیرون از خانه فراهم کند. ما خواهان قوانین حمایتی برای اشتغال و نیز امنیت و ارتقای شغلی زنان در محیط کار و تمام عرصه‌های زندگی هستیم.

۱۲- مبارزات متحدانه‌ی معلمان اخیراً شکل گسترده و نوینی به خود گرفته است. ما معتقدیم معلمان فقط در سایه‌ی ایجاد تشکلهای خودساخته‌ی سراسری می‌توانند به خواسته‌های خویش دست یابند.

۱۳- صدور حکم شلاق از طرف قوه‌ی قضائیه برای یک معلم، صدور حکم شلاق برای یک جامعه است، ما کارگران ضمن محکوم کردن این جنایت، هیچ وقت آن را فراموش نخواهیم کرد.

۱۴- کارگران در سراسر جهان، بدون تبعیض و برتری نژادی و هرگونه حس ناسیونالیستی حق کار و زندگی دارند. ما خواهان تأمین حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کارگران مهاجر در سراسر جهان می‌باشیم.

۱۵- ما کارگران خواهان آزادی ایجاد تشکلهای کارگری، آزادی اعتصاب، تجمع و راهپیمایی، آزادی بی‌قید و شرط سیاسی، آزادی مطبوعات و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی هستیم.

۱۶- ما کارگران، حمله به بند زندانیان سیاسی که هر چند هفته یک‌بار توسط نیروهای امنیتی صورت می‌گیرد، به‌خصوص بند ۲۵۰ زندان اوین را محکوم می‌کنیم و خواستار محاکمه‌ی کلیه مسئولین مربوطه هستیم.

۱۷- جنگ که شامل پدیده‌هایی چون ترور، قتل عام و کشتار است، ابزار سرمایه‌داری جهانی برای تجدید تقسیم جهان و یکی از اهرم‌های فشار دولت‌های قدرتمند



تلاش کنیم تا چرخ بیکارسازی از حرکت بازماند و اخراج کارگران به بهانه‌های واهی پایان پذیرد. بکوشیم بساط نظامیان و عناصر امنیتی را از واحدهای تولیدی و کارگاه‌ها برچینند و تشکلهای کارگری و مبارزه‌ی طبقاتی کارگران، از جمله حق اعتصاب را به رسمیت بشناسانیم.

تلاش ما می‌تواند، تشکیل سندیکاها، اتحادیه‌ها و هرگونه تشکل کارگری و تعطیلی روز جهانی کارگر به عنوان روز مبارزه‌ی کارگران علیه نظم سرمایه‌داری را تبدیل به قانون کند.

برای تثبیت دستمزد برابر در مقابل کار برابر و رفع هرگونه تبعیض در محیط کار اعم از تبعیض جنسیتی، تبعیض قومیتی، عقیدتی و... عمل متحد کارگران الزامی است؛ بنابراین از اتحاد دریغ نورزیم.

جلوگیری از کار کودکان زیر ۱۸ سال و فراهم کردن زمینه‌ی تحصیل و درمان رایگان برای تمام کودکان و جوانان، می‌تواند باید در خواست‌های عمومی ما منعکس شود.

تلاش برای دریافت ابزار و ادوات ضروری برای کار ایمن و حمایت از جان کارگران در برابر سود کارفرمایان، باید جزئی از فعالیت کارگران فعال هر واحد اقتصادی قرار گیرد.

بدون خواست جدی ما کارگران، واگذاری اموال عمومی به بخش خصوصی و غارت سازمان تأمین اجتماعی توسط صاحبان قدرت متوقف نخواهد شد پس در این راه کوشا تر باشیم.

برای ایجاد و برقراری وحدت طبقاتی، صرف نظر از همه‌ی تفاوت‌ها تلاش نماییم و باور کنیم که یک طبقه‌ایم، همان‌طور که سرمایه‌داران همواره صرف نظر از تفاوت‌هایشان به عمل متحد مبادرت می‌ورزند.

پاینده باد وحدت کارگران جهان علیه سرمایه‌داری و عقب‌ماندگی

کشف توان خود که تعیین کننده‌ی مسیر تاریخ آینده‌ی جهان است، به خودباوری برسیم و با سازمان‌یابی و تحمیل تشکلهای مستقل صنفی خود، بیداد و ستم سرمایه‌داران را پس بزیم و همراه با زنان و مردان کارگر همه‌ی کشورهای جهان، نظم سرمایه‌داری را که عامل همه‌ی مصائب و ناکامی‌های مردم جهان است به چالش کشیم.

به هوش باشیم که سرمایه‌داری جهان برای انتقال بحران‌های اقتصادی مبتلابه خود، دست به دامان متحدان خود در کشورهای درحال توسعه شده‌اند. از همین روست که اقتصاد خوانده‌های مزدور خود را به میدان فرستاده‌اند تا به مردم جهان بقبولانند که برای برون‌رفت از عقب‌ماندگی و فقر، هیچ راهی غیر از ریاضت اقتصادی که تحمیل گرسنگی به توده‌های زحمت‌کش است وجود ندارد.

حذف یارانه‌ها و خدمات اجتماعی و گسترش خصوصی‌سازی و حذف ضوابط و مقررات از مناسبات کار و سرکوب تشکلهای مستقل کارگری و نیز ایجاد تشکلهای گوش به فرمان دولت‌ها برای کنترل هرگونه حق‌خواهی زحمت‌کشان، از اقدامات سرمایه‌داری برای پایدار کردن گرسنگی در جوامع امروز است. در هر کجا که بتوانند با نسخه‌های نئولیبرالیستی که نهادهای امپریالیستی به اقصا نقاط جهان تجویز می‌کنند بحران‌های خود را منتقل کنند، از همین روش استفاده می‌کنند و در هر جا که با مقاومت روبرو شوند با لشکرکشی و نظامی‌گری برخورد می‌کنند. این هجوم وحشیانه‌ی سرمایه‌داری جهانی جز با وحدت جهانی زحمت‌کشان قابل مهار نیست.

پس بکوشیم تا با کشف نیروی طبقاتی خود در ایران و جهان با این هجوم چند لایه‌ی سرمایه‌داری و نمایندگان سیاسی آن‌ها برخوردی شایسته و بایسته داشته باشیم. تلاش برای ایجاد تشکلهای صنفی و نیز پیگیری مبارزات کارگری در ایران و جهان و حمایت از این مبارزات، از اولین گام‌های این روند ضروری است. ما به عنوان طبقه‌ی کارگر ایران گرفتاری‌های بسیاری داریم که ناگزیر از برنامه‌ریزی برای رفع این گرفتاری‌ها هستیم.

باید تلاش کنیم که برنامه‌ی اصلاح قانون کار و تأمین اجتماعی از دستور کار حکومت حذف شود و نیز مدیریت سازمان تأمین اجتماعی به منتخبان واقعی حقوق‌بگیرانی واگذار شود که پس‌انداز سالیان کار خود را به این سازمان سپرده‌اند.

باید مجلس و دولت را با تلاش خود وادار سازیم تا همه‌ی نیروی کار را مشمول قانون کنند از جمله کارگران کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر را که از شمول قانون کار معاف شده‌اند، و نیز بکوشیم تا طرح "استاد-شاگردی" از برنامه‌ی دولت برای همیشه حذف شود.

باید تلاش کنیم که پدیده‌ای به نام حقوق و دستمزدهای معوقه در همه‌ی بخش‌های اقتصاد، اعم از بخش خصوصی و غیرخصوصی برای همیشه به تاریخ سپرده شود و بکوشیم نمایندگان واقعی‌مان در تعیین حداقل دستمزد بر اساس رفع نیاز یک خانواده‌ی چهار نفری، مشارکت داشته باشند.